

آیت اله العظمی حسینعلی منتظری:

جنبش سبز تبلور مطالبات اکثریت مردم ایران است

**برنامه های
اکبر گنجی
در استکلهم**

صفحه: ۱۰



اطلاعیه جمعی از
گروههای فعال حقوق بشر
ایرانی:
زمینه چینی برای اعدام
و سرکوب گسترده
مخالفان در ایران
صفحه: ۱۰

تازه ترین فیلتر شکن ها

صفحه: ۱۳

۱۱	در ۱۶ آذر چگونه حضور می یابیم؟ مرتضی سیمپاری
۱۲	خواهشی از موسوی، کروبی و خاتمی مرتضی کاظمیان



درخواست:
حامیان مادران عزادار ایران در
لوس آنجلس

درخواست هلند از اتحادیه
اروپا:
نام سپاه در فهرست گروه های
تروریستی قرار گیرد

صفحه: ۶ و ۱۰

دعوت دانشجویان از موسوی و کروبی و خاتمی

برای حضور در دانشگاه

دعوت دانشجویان سبز دانشگاههای سراسر کشور:

نظامیان؛ خانواده ها به فرزندان دانشجوی خود پیوندید

۱۶ آذر و دست های پنهان خشونت

دختر سیامک پورزند:

پدرم از زندگی بریده، رهاش کنید

غیبت هاشمی و احمدی نژاد در شکرانه اتحاد

مسمومیت دارویی علت مرگ پزشک کهریزک،

مرتضوی در امان

صفحات: ۱۰ تا ۱۲

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهبلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

راههای سبز

ابراهیم نبوی:
ایران و جنبش سبز

بابک داد:
تردیدی باقی نیست، اینها رفتنی
اند

صفحات: ۴-۶



۱۶ آذر سبز نزدیک می شود

بحران اتمی

درخواست شفاف سازی ۱۰
مرکز جدید غنی سازی
بهایی سنگین به جای راهحلی
معقول

روس ها قابل اعتماد نیستند

گاردین: ایران به بحران دامن
می زند

صفحه: ۷ و ۸



با خشونت سرکوب شد و هر چه زمان پیش رفت، مشخص شد که رهبران این جنبش اعتراضی، همچون میر حسین موسوی، آن طور که بسیاری از غربی ها زمانی امیدوار بودند، به دنبال گسست کامل از جمهوری اسلامی نبوده اند.

در میان فهرست نامزدهای دریافت عنوان "شخصیت سال" تایم، نام هایی چون آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، بن برنانکه، رئیس بانک مرکزی آمریکا، استیو جابز، مدیر اپل مکتباتش و یوسین بولت، قهرمان دو سرعت جهان نیز به چشم می خوردند.

اما عجیب ترین نامزد تایم برای دریافت این عنوان، دزدان دریایی سومالیایی هستند که به گفته تایم در سال 2009 به بیش از 300 کشتی حمله کردند.

سال گذشته باراک اوباما که هنوز به عنوان رئیس جمهوری آمریکا سوگند یاد نکرده بود، به عنوان "شخصیت سال" انتخاب شد.

در طول تاریخ اعطای عنوان مرد سال (بعدها شخصیت سال) تاکنون فقط یک نفر (ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری وقت آمریکا) توانسته است این عنوان را در دو سال متوالی از آن خود کند.

انتخاب بحث برانگیز

مجله تایم از سال 1927 انتخاب "مرد سال" را آغاز کرد و از آن زمان به طور سالانه یک مرد، زن یا گروه را به عنوان برنده این عنوان برگزیده است.

در سال 1951 تایم عنوان "مرد سال" خود را به محمد مصدق، نخست وزیر وقت ایران اعطا کرد. مصدق اولین نفر از خاور میانه بود که این عنوان را کسب می کرد.

آیت الله خمینی، رهبر انقلاب ایران، دومین ایرانی بود که در سال 1979 به عنوان "مرد سال" انتخاب شد که با توجه به بحران گروگانگیری در ایران انتقادهایی را در آمریکا به همراه داشت.

این مجله در سال 1982 کامپیوتر و در سال 1988 "کره در معرض خطر زمین" را به عنوان مرد سال برگزید. در سال 1999 عنوان انتخاب مجله تایم به "شخصیت سال" تغییر کرد تا به گفته ناشران این مجله فرآیند تر باشد.

اعطای این عنوان بعضا با جنجال ها و انتقادهایی نیز همراه بوده است. از جمله انتخاب آدولف هیتلر، صدراعظم آلمان و رهبر حزب نازی در سال 1938 و دو بار انتخاب شدن ژوزف استالین، دیکتاتور اتحاد جماهیر شوروی. این هفته نامه در سال 1999 آلبرت آینشتاین، دانشمند آلمانی تبار را به عنوان "شخصیت قرن" برگزید

Ace2 in the Hole



دعوت دانشجویان سبز دانشگاههای سراسر کشور: نظامیان؛ خانواده ها به فرزندان دانشجوی خود

پیوندید

با وجود شدت گرفتن برخوردها و امنیتی تر شدن فضا در دانشگاه ها در آستانه روز دانشجو و از سوی دیگر تهدید تلویحی برخی از مسولان نظامی و انتظامی، جنبش سبز دانشجویی متشکل از زنجیره سبز دانشجویان در تمام دانشگاه های آزاد و دولتی در سراسر کشور، مردم را دعوت به شرکت همزمان در بعد از ظهر 16 آذر در مراسم بزرگداشت روز دانشجو کرد.

به گزارش سایت رویدادجنبش سبز دانشجویی طی بیانیه ای ضمن دعوت از مردم سراسر کشور برای حضور گسترده و پر شور در مراسم بزرگداشت روز دانشجو، برنامه های ستاد هماهنگی جنبش دانشجویی را نیز تشریح کرده است. ستاد هماهنگی جنبش دانشجویی در این بیانیه اعلام کرده: "مراسم سخنرانی شخصیت های سیاسی در هر دانشگاه بزودی اعلام می شود. در صورت عدم امکان دعوت سخنران، دانشجویان سبز هردانشگاهیا ابتکار خود مراسم را برگزار می کنند."

در این بیانیه ضمن تاکید بر نفي هر گونه خشونت در اعتراضات مسالمت جویانه، آمده است: "از تمام مردم در همه شهر ها دعوت می شود که با پیوستن به فرزندان دانشجوی خود در مراسم امسال در دانشگاه ها، آنان را تنها نگذارند و در صورتی که کوتاچیان از ورود آنان به محوطه دانشگاه ها ممانعت به عمل آورند با تجمع اتومبیل در اطراف دانشگاه ها و ایجاد ترافیک، تردد سربازان را با اشکال مواجه سازند و به این ترتیب دانشجویان را یاری دهند."

در ادامه این بیانیه آمده است: "دانشجویان مراقب هستند که به دام حکومت برای خشونت ورزی نیفتند، اما اگر مزدوران بخواهند به صحن دانشگاه وارد شده و حمله کنند، سد کردن راه آنان و با بررسی راه های گریز و پخش شدن در سطح شهر از واجبات است."

در پایان این بیانیه می خوانیم: "امسال دانشجویان غیر از برگزاری مراسم در سطح کشور و دعوت از افاضل مختلف مردم بخصوص دانش آموزان برای پیوستن به آنان، اولین گام را نیز در دعوت از نیروهای مسلح برای پیوستن به ملت برمی دارند. این امر یکی از مقدمات شرکت عموم مردم در مراسم سراسری محرم امسال خواهد بود."

جنبش سبز نامزد دریافت شخصیت سال



هفته نامه تایم، معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران را به عنوان یکی از نامزدهای دریافت عنوان 'شخصیت سال' انتخاب کرده است.

این مجله در توضیح انتخاب 'معترضان ایران' نوشته است: "چندین هفته در تابستان، بسیاری از ایرانیان در اعتراض به تقلب احتمالی به خیابان ها رفتند که در تمام جهان بازتاب داده شد. شجاعت و عزم آنها در مقابل سختگیری بی رحمانه دولت (ایران) عمق اشتیاق آنها را برای رسیدن به آنچه باور دارند، نشان داد. مرگ ندا (آقا سلطان) یکی از زنان معترض، به نماد غم انگیز این جنبش تبدیل شد و نشان از آن داشت که رژیم تحت حکومت (آیت الله) خامنه ای، رهبر ایران و محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری تا چه اندازه برای بر سر قدرت ماندن در تلاش است."

تایم در پایان بخش مربوط به نامزدی معترضان ایرانی نوشته است: "نهایتا هر امیدی به اینکه این اعتراض ها به سرآغازی برای شکوفایی دموکراسی در ایران تبدیل شود،

۱۶ آذر سبز - ۵ روز

دعوت دانشجویان از موسوی و کروبی برای

حضور در دانشگاه

بیش از ۳ هزار دانشجوی دانشگاه تهران از موسوی و کروبی دعوت کردند در مراسم بزرگداشت روز دانشجو در دانشگاه تهران، حضور یابند.



با نزدیک شدن به روز ۱۶ آذر بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی دانشگاه تهران علی رغم همه فشار های نهادهای نامشروع قدرت و فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه، طوماری تهیه و در آن از دو رهبر اصلی جنبش سبز دعوت کرده اند تا در روز ۱۶ آذر با حضور در مقابل دانشکده فنی دانشگاه تهران، یادگاه آن ۳ آذر در خون افتاده به گلوله کوتاچیان سال ۳۲، با حمایت از دانشجویان و جنبش ریشه دار دانشجویی و با توجه به پیوند اعتراضات به نتایج انتخابات با روز دانشجو سال ۸۸ بر مواضع پیشین خود صحه گذارند و بار دیگر ایستادگی و اعتراض خود را در برابر استبداد اعلام نمایند.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر در طومار دانشجویان دانشگاه تهران با اشاره به تاریخ استبدادستیزی و ایستادگی دانشجویان آمده است که آقای موسوی شما بارها از خطر شکل گیری یک دیکتاتوری خطرناک هشدار داده اید و شما آقای کروبی همیشه گفته اید کنار نخواهید کشید و تا پایان راه خواهید ایستاد، حال در تاریخی ترین روز استبدادستیزی تاریخ ایران و بزرگداشت مظلوم ترین و ایستاده ترین مبارزان راه آزادی و استقلال و دموکراسی با توجه به موقعیت حساس کنونی از شما مصرانه می خواهیم که در ۱۶ آذر گسترده ترین جمع حامیان خود را تنها نگذارید و با اعلام حضور خود باور جنبش دانشجویی و رهبرانی شایسته برای جنبش سبز مردم ایران باشید.

در بخش دیگری از طومار دعوت از کروبی و موسوی آمده است که کودتای ننگین انتخاباتی خرداد ۸۸ و حوادث پس از آن بر همگان ثابت کرد که اگر لحظه غفلت کنند و اگر در مقابل انحرافات کنونی تردید کنند و نایستند، آینده بسیار تلخ در انتظار ایران است. آینده ای که همه خیانتات و جنایات پس از انتخابات در مقابل آن اندکی بیش نخواهد بود. تقلب و حمله به منزل آزادی خواهان و یورش شبانه به کوی دانشجویان و بازداشت های غیرقانونی و توقیف روزنامه ها و حمله باتوم به دستان به جمع مردم و ماه ها بازداشت در سلول های انفرادی و تجاوز به زندانیان و قتل و جنایات بی شمار دیگر نشان داد که کوتاچیان برای حفظ قدرت از هیچ رذالت و رفتار غیرانسانی ابا ندارند و کشتار را نیز روا می دارند و فرش قرمز رسیدن به کاخ قدرتشان را از خون ایرانیان رنگ خواهند کرد.

دانشجویان جمع آوری کننده امضاها گفته اند که بیش از ۹۰ درصد دانشجویان خواهان حضور کروبی و موسوی در دانشگاه تهران هستند ولی محدودیت های موجود مانع از جمع آوری امضا از همه دانشجویان شده است.

منبع: خبرنگار امیر کبیر

راههای سبز

۱۶ آذر و دست‌های پنهان خشونت

پیشاپیش شانزده آذر، روز دانشجو، در محافل سیاسی ایران ابراز نگرانی‌هایی درباره احتمال بروز خشونت در اعتراض‌ها و تظاهرات احتمالی این روز شنیده می‌شود. این‌ها هم‌زمان است با بازداشت‌های گسترده دانشجویان و برخورد‌های کمپنه‌های انضباطی با آنان و صدور حکم‌های حبس برای فعالان دانشجویی که نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر را بر آن واداشته از جمهوری اسلامی ایران بخواهند این روند را متوقف کنند.

به رغم افزایش این گونه فشارها، اعتراض‌های دانشجویان از آغاز مهرماه تاکنون در دانشگاه‌های سراسر ایران با اهداف صنفی و سیاسی از جمله ابطال نتیجه اعلام شده‌ی انتخابات، همچنان ادامه یافته است.

نگرانی از احتمال بروز خشونت را در تازمترین بیانیه میرحسین موسوی، نامزد معترض انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران و چهره شاخص آنچه «جنبش سبز امید» نام می‌توان دید.

در هفته بسیج، نخست وزیر سابق ایران در دهه اول انقلاب، خطاب به بسیجیان هشدار داد که آن‌ها نباید در روی مردم قرار گیرند و افزود: «قرار نبود بسیج به نیروی مزدور حکومت تبدیل شود.» (اما این گفته‌ها مانع از آن نشد که در روز پنجشنبه عده‌ای از بسیجیان با تجمع در محل اقامت مهدی کرویی در قم شعار «مرگ بر منافق و ضد ولایت فقیه» سر دهند.

از سوی دیگر نگرانی از احتمال بروز خشونت متقابل را در میان معترضان می‌توان در تازمترین بیانیه نهضت آزادی ایران نیز یافت. این تشکل سیاسی که مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت انقلاب از بنیانگذاران آن بوده، به دانشجویان هشدار داد که «عوامل تحریک حکومتی در تلاش‌اند تا با رادیکالیزه کردن جنبش سبز و سوق دادن آن به سوی شعارها و رفتارهای تند، زمینه توجیه سرکوبی آنان را فراهم کنند.»

افزون بر این دفتر تحکیم، وحدت گسترده‌ترین تشکل سراسری دانشجویان تحول‌طلب هم در بیانیه‌ای به مناسبت آغاز آذرماه، ماه یادآور مبارزات دانشجویی ایران بر لزوم گسترش مشی. مسالمت آمیز - که به گفته این تشکل- نوید پیروزی گل بر گلوله است، تاکید کرد و از مردم خواست از آنچه «تند شدن فضا به سود رادیکالیسم سرکوب‌گر» است، جلوگیری کنند. پیش از اینها هم شورای فعالان ملی مذهبی در بیانیه‌ای درباره طرح شعارها و مطالبات حداکثری به ویژه در میان فعالان سیاسی خارج از کشور هشدار داده بود.

علت این ابراز نگرانی‌ها چیست؟

در روز شانزده آذر چگونه می‌توان جلوی بروز خشونت حکومتی و خشونت متقابل در میان معترضان را گرفت؟ در برنامه این هفته دیدگاه‌ها، این پرسش‌ها را با دو فعال و تحلیلگر سیاسی در میان گذاشتیم: **با محسن سازگارا، از چهره‌های شاخص حامی «جنبش سبز» در واشینگتن و امیر خرم، عضو شورای مرکزی و دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در تهران.**

آقای موسوی از بسیج می‌خواهند که رو در روی مردم قرار نگیرد و هم‌زمان در ایران ابراز نگرانی‌هایی می‌شود که نکند معترضان دست به خشونت متقابل بزنند. با توجه به این که گروه‌های معترض ارتباط تشکیلاتی منسجمی ندارند و آن‌طوری که گفته می‌شود به طور افقی به هم متصل‌اند، چگونه می‌شود جلوی بروز خشونت را گرفت؟

امیر خرم: ببینیم چرا به نفع جنبش سبز نیست که به سمت خشونت روی بیاورد؟ دو نکته را شما گفتید؛ یکی اشاره‌ای بود که آقای موسوی در بیانیه اخیر خود خطاب به بسیجی‌ها اعلام کردند. این رسالت بسیج نبود که به جزئی از ماشین سرکوب حکومت تبدیل شود. این سوء استفاده از بسیج است. اما چگونه می‌شود از رشد تفکر مبتنی بر خشونت متقابل جلوگیری کرد؟ یکی از میزبه‌هایی جنبش

سبز در مقایسه با جنبش‌های پیش از آن، یک شبکه مجازی گسترده است. در شرایطی که شبکه‌های اطلاع رسانی قفل است و اطلاع‌رسانی از آن‌ها برای جنبش سبز مقدور نیست، در فضای مجازی یک شبکه اطلاع رسانی به صورت خودجوش پا گرفته و به شدت فعال است. آقای خرم معتقد است که دلایل در پیوند با زبان‌های روی آوردن به خشونت را می‌شود از طریق این شبکه به اطلاع دیگران رساند و جلوی گسترش خشونت را گرفت. **آقای سازگارا شبکه مجازی ارتباطی که آقای خرم به آن اشاره می‌کنند، آیا برای مهار خشونت کافی است؟**

محسن سازگارا: به تنهایی طبیعتاً نه. ولی جنبش سبز به خوبی نشان داده که تا الان در عمر پنج ماه و نیمه خود، دیسیپلین مبارزات بی‌خشونت را رعایت می‌کند. به گفته آقای سازگارا، به دلیل اینکه چهره‌های شاخص جنبش سبز، سازمان‌های سیاسی، سازمان‌های دانشجویی و اجتماعی، حفظ «دیسیپلین» مبارزه بدون خشونت را تأیید می‌کنند، کسانی که دست اندرکار اند، به خوبی پیام را می‌گیرند و رعایت می‌کنند. **آقای سازگارا با اشاره به اینکه برای نخستین بار در طول مبارزه‌های اجتماعی و سیاسی، تظاهرات میلیونی برپا شده است بدون اینکه روحانیت یا حزب خاصی درگیر شده باشد، می‌افزاید کادرهای فعال جنبش سبز ساز و کار مبارزات بی‌خشونت را می‌شناسند و آن را به کار می‌برند.**

محسن سازگارا: آن‌ها درک درستی از دموکراسی دارند و می‌دانند برای رسیدن به دموکراسی و یک جامعه مبتنی بر صلح و آرامش و مدارا و رعایت حقوق دیگران نمی‌شود با خشونت و نفی دیگری حرکت کرد. گروه‌های مختلف اجتماعی با سلیقه‌های مختلف، طیف‌های گوناگون سیاسی، دینی و اجتماعی خیلی خوب کنار هم‌دیگر با حفظ اختلافات شان حرکت می‌کنند. این خشونت پرهیزی در جنبش سبز وجود دارد.

آقای خرم: در آستانه شانزدهم آذر است که بیشتر شاهد این ابراز نگرانی‌ها می‌شویم. تشکلی که شما در آن فعالیت دارید، نهضت آزادی ایران، از تمایز میان ۱۶ آذر، روز قدس و ۱۳ آبان سخن گفته است. با این توصیه‌ها و توضیحات آقای سازگارا، آیا پیشنهاد شما هنوز مد نظر دانشجویان است که اعتراض‌های خود را روز ۱۶ آذر به صحن دانشگاه محدود کنند؟

امیر خرم: تحلیل من این است که حکومت ایران در طول سی سال گذشته تجربه دو نوع برخورد را کسب کرده است و روش‌ها و شیوه‌های آن را یاد گرفته است. یکی از آنها برخورد با اعتراض‌های گروه‌های سیاسی و اپوزیسیون است. در مورد آن‌ها شیوه‌ای را که آموخته و برای آن کارکرد مثبت داشته این بوده که دفاتر آنها را ببندد و روزنامه‌هایشان را تعطیل کند، بعد هم اتهامات سنگین و حکم... و سعی کند که آن‌ها را خفه و کنترل کند. تجربه دومی که حکومت ما در طول این سال‌ها به دست آورده، برخورد با شورش‌های خیابانی است.

این عضو نهضت آزادی پس از توضیح این نکته که شورش‌های خیابانی، معمولاً با سرکوب شدید همراه بوده، می‌افزاید حکومت ایران تجربه مقابله با جنبشی از جنس جنبش سبز را تاکنون نداشته است: «به جهت اینکه حکومت تجربه برخورد با این نوع جنبش را ندارد، کوشش می‌کند جنبش را ببرد به سوی شورش‌های خیابانی. وقتی تبدیل به شورش‌های خیابانی شود، به دلیل این که تجربه برخورد با آن نوع شورش‌های خیابانی را دارد، می‌تواند از روش‌های مربوط استفاده کند.»

آقای خرم بر این باور است که سیستم امنیتی حکومت در ایران مانند همه سیستم‌های امنیتی در جهان می‌تواند از واکنش‌های خشونت آمیز به سود خود استفاده کند. وی با اشاره به بیانیه نهضت آزادی ایران، به دانشجویان توصیه می‌کند که شعارهایی که می‌دهند در راستای جنبش سبز باشد و خواسته‌ها و مطالبات شان در حد سقف جنبش سبز در شرایط ممکن باشد: «ما باید سطح مطالبات مان را با امکانات و شرایط جنبش سبز منطبق کنیم. تلاش ما این

است که از راه‌های مختلف به گروه‌های دانشجویی این پیام را برسانیم. دفتر تحکیم وحدت هم بیانیه‌ای مشابه بیانیه ما صادر کرد و به دانشجویان همین هشدارها را داد. " آقای سازگارا! آیا این بیانیه‌ها برای این که دانشجویان در ۱۶ آذر، اعتراض خود را به صحن دانشگاه‌ها محدود کنند، فکر می‌کنید موثر واقع شود؟ استدلال آن‌ها این است که ۱۳ آبان و روز قدس، خود دولت اعلام می‌کند که مردم بیایند در خیابان‌ها تظاهرات کنند. در صورتی که روز دانشجو چنین دعوتی به عمل نمی‌آید. حکومت می‌تواند سرکوب را موجه کند؟

محسن سازگارا با اشاره به اینکه سنت این نوبه که روز ۱۶ آذر دانشجویان در خیابان‌ها دست به تظاهرات بزنند، می‌گوید: حکومت ریزش کرده و امکان بسیج ندارد. به همین دلیل جنبش سبز حواسش است که خودش را درگیر برخورد با یک سری مزدور نکند. دانشجویان، برای اینکه درگیری نباشد، هم‌زمان روز ۱۶ آذر در سطح تمام دانشگاه‌ها مراسم خواهند داشت برای اینکه حکومت نیروهایش را جابه جا نکند و یک عده مزدور بگیرند از این دانشگاه به آن دانشگاه بروند. وقتی هم‌زمان باشد، معلوم می‌شود این‌ها چند تا آدم دارند.

محسن سازگارا با اشاره به اینکه دانشجویان از طرفداران حکومت نیز دعوت کرده‌اند که به طور مسالمت آمیز مراسم خود را اجرا کنند، می‌گوید در صورت حمله نیروهای امنیتی به دانشجویان، آن‌ها نه درگیر خواهند شد و نه اجازه خواهند داد که آن‌ها را کتک بزنند بلکه پراکنده خواهند شد. وی می‌افزاید اگر تظاهرات به سطح شهرها کشیده شود، تقصیرکار اصلی حکومت خواهد بود.

امیر خرم به دلایل زبان‌های خشونت علیه جنبش سبز اشاره می‌کند و می‌گوید: دموکراسی یعنی تغییر در شیوه‌های رفتاری حاکمان، نه الزاماً تغییر در افراد حاکم. اگر ما به خشونت روی بیاوریم به این معنی است که خشونت طلبان توانسته‌اند شیوه‌های خود را بر ما تمهیل کنند. ماندگاری حکومت‌ها نتیجه دو عامل است: مشروعیت و کارآمدی. حکومت‌ها برای ماندگاری خود به حداقلی از حاصل ضرب این دو عامل نیاز دارند.

به گفته آقای خرم خشونت از ابزارهای سرکوب برای جایگزینی ضعف مشروعیت و کارآمدی خود استفاده می‌کند و استفاده گسترده و مستمر از آن ماندگاری حکومت را کوتاه تر می‌کند.

محسن سازگارا با اشاره به این که در ۱۶ آذر امسال «نباید کتک خورد» می‌افزاید: عدم خشونت به معنی کتک خوردن نیست.

وی بر این باور است که وقتی جنبشی در مقابل حکومت خشونت‌ورز، دیسیپلین مبارزه بدون خشونت را حفظ می‌کند، ضربه آن‌ها را چند برابر بیشتر به خودشان بر می‌گرداند.

منبع: امیر صدق کاتوزیان





سه گفت و گو

آیت اله العظمی حسینعلی منتظری جنبش سبز تبلور مطالبات اکثریت مردم ایران است

دیدگاه‌های آیت‌الله منتظری در باره جنبش سبز، موانع و چشم‌انداز آن در پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون این جنبش، دفتر آیت‌الله منتظری

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی منتظری دام عزه العالی همان گونه که مستحضری ملت ایران جهت دستیابی به اعتلای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، قبل از انتخابات مطالبات بحق را مطرح می‌نمود، و برای تحقق این مطالبات با شور و نشاطی بی‌شائبه در انتخابات شرکت کرد؛ اما صاحبان قدرت با مددگیری از آراء مهندسی شده نتیجه انتخابات و وضعیت جامعه را به آنچه امروز شاهد آن هستیم مبدل نمودند.

"جنبش سبز" در پیگیری مطالبات جامعه، پس از انتخابات توانست خواسته‌های اکثریت ملت ایران را نمایندگی کند و در این مسیر زندانها و شکنجه‌های وحشتناک قرون وسطایی را تحمل کرده و حتی شهیدانی را تقدیم نمود، تا با اصرار بر دوری از خشونت به آرمانهای خود دست یابد؛ که با لطف و رحمت الهی، این جنبش در سرتاسر ایران گسترش یافت؛ لذا مردم در ادامه مسیر نیازمند پاسخ به سوالات متعددی هستند که در ذهنشان شکل گرفته است.

مستدعی است با پاسخ خود جهت اعتلای هرچه بیشتر جنبش موجب هدایت و دلگرمی ملت مظلوم و ستمدیده باشید.

به نظر حضرت‌تعالی:

- ۱ - جنبش سبز مردم ایران چه دستاوردهایی طی مدت اخیر داشته است؟
 - ۲ - چه عواملی مانع از گسترش و توسعه جنبش سبز مردم خواهد شد و راه دستیابی به اهداف را طولانی تر می‌کند؟
 - ۳ - راه‌هایی که موجب تقویت و مصونیت نسبی جنبش خواهد شد کدامند؟
 - ۴ - چه توصیه‌هایی برای اعتلای بیشتر جنبش می‌فرمایید؟
- پاسخ آیت الله العظمی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم

(ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم)
سوره رعد، آیه ۱۱

"خداوند وضعیت و سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر زمانی که خودشان درصدد تغییر آن برآیند." با سلام و تحیت و ضمن تقدیر از توجه شما نسبت به مسائل جاری و سرنوشت ساز کشور.

جواب ۱ - جنبش مذکور که جلوه و تبلوری واقعی از مطالبات به حق اکثریت مردم ایران در سالهای متمادی است، هر چند تاکنون با برخورد خشن و شدید جناح تندروی حاکمیت روبرو شده است، ولی دستاوردهای داخلی و خارجی آن قابل انکار نمی‌باشد. این جنبش در داخل کشور توانسته است فرهنگ مسالمت آمیز مطالبه حقوق تضییع شده اقشار وسیعی از مردم در انتخابات و حوادث پس از آن را تا حد زیادی نهادینه کند و از طرفی ماهیت خشن جناح تندرو و سرکوبگر را به خوبی افشا نماید؛ و البته هزینه‌های سنگینی را برای آن تحمل نموده است. این پدیده نشانه آن است که مردم به کمتر از رسیدن به مطالبات بر حق خود قانع نمی‌شوند و کشتار و ارباب و تهدید و بگیر و ببندها و محاکمات غیر شرعی و غیر قانونی و محکومیت‌های سنگین و غیر عادلانه فعالان سیاسی و آزادیخواهان و نیز تبلیغات دروغ و فریبنده، تأثیری در عزم و اراده آنان ندارد. در بعد خارجی نیز

توانسته است نظر کشورهای جهان و بخصوص جامع مترقی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر را نسبت به مظلومیت و خواسته‌های به حق خود معطوف داشته و در ارزیابی سیاسی، قدرت واقعی ملت را به جهانیان نشان دهد.

جواب ۲ و ۳ - از جمله عواملی که ممکن است مانع گسترش جنبش به حق مردم شود، یکی شعارهای انحرافی ساختارشکن و عکس‌العمل‌های نامناسبی است که به سوژه‌ای برای سرکوب مردم توسط جناح تندرو تبدیل خواهد شد. جنبشی که خواسته‌های منطقی و مشروع و قانونی دارد و می‌تواند آنها را به شکل مسالمت آمیز و معقول مطرح کند، نباید احياناً گرفتار رفتارهای عکس‌العملی در برابر خشونت‌ها و سرکوبگری‌ها شود و بسا شعارهایی را مطرح کند و یا واکنش‌هایی را از خود نشان دهد که در نهایت مطابق خواسته‌های جناح تندرو حاکمیت و به نفع آنان باشد؛ و چه بسا این مسائل توسط ایادی آنان جهت انحراف نهضت به وجود می‌آید، چنانچه بارها مردم بعینه نیروهای آنها را در حال تخریب اماکن و اموال عمومی و شخصی دیده‌اند.

عامل دیگر، انتظار پیروزی زودرس و عجولانه است. جنبش مذکور نباید در رسیدن مردم به حقوق خود، عجله و بی‌حوصلگی نشان دهد. صبر بر شدائد و مصائب و مقاومت در راه حق و امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مقاومت برای احقاق حقوق، از آموزه‌های مهم دینی است که در قرآن و روایات روی آن تأکید فراوان شده است.

عامل سوم، اختلاف سلیقه‌ها در روش احقاق حقوق و امر به معروف و نهی از منکر است که می‌تواند آسیب جدی به نهضت و حرکت مردم وارد نماید. در این راستا شخصیت‌های معتمد مردم و مؤثر در جنبش می‌توانند با شفاف‌سازی خواسته‌های قانونی و شرعی مردم و تفاهم کامل با یکدیگر مانع بروز عوامل مذکور و موجب تقویت حرکت‌های مردمی و مصونیت آن از آسیب‌های محتمل باشند.

جواب ۴ - بدیهی است کسانی که در راه احقاق حقوق مردم تلاش می‌کنند و در حقیقت به وظیفه مهم شرعی و ملی امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنند در درجه اول، باید خود عامل به حق و معروف، و تارک منکر و باطل باشند، و مرزهای دینی و اخلاقی را کاملاً حفظ و مراعات نمایند تا عمل و حرکتشان در راه رضای خالق و مصالح مخلوق منشا آثار خیر قرار گیرد.

در خاتمه برای چندمین بار به عنوان نصیحت و خیرخواهی برای حاکمیت یادآور می‌شوم: راهی که مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نظام در پیش گرفته اند جز به ضرر دین و دنیای خودشان و مردم نخواهد بود. تمکین به همه اصول قانون اساسی و به رسمیت شناختن حقوق ملت و عمل به آن بهترین راه برای نشان دادن حسن نیت حاکمیت است. انحصارطلبی و خودمحروری و استبداد و اعمال خشونت در مقابل مردم، و محاکمات غیر شرعی و غیر قانونی فعالان سیاسی خدمتگزار و شناخته شده و محکومیت‌های سنگین برای آنان، عاقبتی جز انزوای بیشتر کشور و نظام در دنیا و فاصله گرفتن بیشتر مردم از حاکمیت و تخریب و مشوه نمودن چهره اسلام مظلوم و در نهایت غضب و خشم خداوند را به دنبال نخواهد داشت. امیدوارم مسئولین مربوطه هر چه زودتر مسیر باطل خود را اصلاح نمایند و رضایت خالق و خلق را تحصیل نمایند. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

۱۰ آذر ماه ۱۳۸۸
حسینعلی منتظری



مصاحبه روزنامه ایتالیایی آفاری با ابراهیم نبوی

ایران و جنبش سبز

ابراهیم نبوی یک نویسنده مخالف ایرانی است. متولد 1958 در آستارا است و درباره کشورش ایران با طنزی ظریف و مقاله‌های احساسات بر انگیز حرف می‌زند. او قربانی سانسور در کشورش بوده است و به خاطر نوشته‌هایش زندانی شده است. او به دلیل شجاعت در روزنامه نگاری، برنده جایزه "هلمن-همت" شد. مقاله‌های او در همه جای دنیا شهرت دارد و روزانه در سایت‌های ایرانی روز آنلاین و جرس طنز می‌نویسد. او اکنون در بلژیک زندگی می‌کند و به لطف اینترنیت برای مردم کشورش می‌نویسد. او امیدوار است که خیلی زود به کشورش بازگردد و دولتی دموکرات که توسط مردم انتخاب شده است، در ایران قدرت را بدست بگیرد.

این مصاحبه‌ای است که از لایبلائی متن سخنرانی نبوی در شهر پوردونته در ایتالیا درست شده است.

دولت در ایران چگونه انتخاب می‌شود؟

بگویم شما چیزها را آطور که من می‌بینم نمی‌بینید؛ مثلاً درباره میز، شاید برای شما میز وسیله‌ای است که یک مرد سیاستمدار پشت آن می‌نشیند و کارش را می‌کند، اما در کشور من میز وسیله‌ای است که یک سیاستمدار پشت آن پنهان می‌شود و ضعف‌هایش را پشت آن پنهان می‌کند. در همه کشورها، صندلی یک وسیله است که آقای رئیس‌جمهور، چهار سال روی آن می‌نشیند و کشور را اداره می‌کند، بعد از چهار سال اگر مردم خوش‌شان آمد، او می‌تواند چهار سال دیگر هم روی صندلی بنشیند، اما اگر مردم خوششان نیامد، او باید خداحافظی کند و برود. علت اینکه رئیس‌جمهور دولت قبلی حاضر نشد صندلی‌اش را رها کند، بخاطر علاقه او به نشستن روی صندلی نبود، چون رئیس‌جمهور ما به هوایما بیشتر علاقه دارد، تا صندلی. به همین دلیل او صندلی را محکم نگه می‌دارد، بعد خودش سوار هوایما می‌شود و به و نزول می‌رود تا با دوستش هوگو چاوز ملاقات کند.

بنابر این رای مردم بحساب نمی‌آید و همه چیز از قبل تعیین شده است؟

در همه کشورها صندوق رای گیری وسیله‌ای است که مردم از یک سوراخ تنگ، که به اندازه آزادی مردم است، رای‌شان را توی صندوق می‌اندازند. صد سالی است که معمولاً برای اینکه بفهمند نظر مردم چیست، صندوق را باز می‌کنند و برگه‌های رای را می‌شمارند و می‌فهمند رئیس‌جمهور چه کسی است. در ایران موضوع فرق می‌کند، معمولاً اول نتیجه‌آرا را اعلام می‌کنند، بعد اگر کسی اعتراض نکرد، رئیس‌جمهور روی صندلی می‌نشیند، اما اگر مردم به نتیجه اعلام شده، اعتراض کردند، دولت ارتش را به خیابان می‌آورد و بعداً رئیس‌جمهور روی صندلی می‌نشیند. رئیس‌جمهور وقتی انتخاب می‌شود، چهار سال تبلیغات می‌کند، بعد به رقابت با نامزدی می‌پردازد که طرفدارانش فقط حق دارند یک ماه تبلیغات کنند.

چطور چنین چیزی در ایران ممکن است؟

شاید فکر کنید که ریاست‌جمهوری در کشوری مثل ایران، کار سختی است، در حالی که اصلاً کار سختی نیست. اصولاً هیچ کاری در جهان ساده‌تر از اداره حکومت ایران نیست، علت اینکه احمدی‌نژاد قصد دارد رئیس‌جمهور جهان بشود و تمام دنیا را اداره کند، این است که ساده است. به دو دلیل ساده است، اول بخاطر خدا و دوم بخاطر نفت. دولت در ایران هر وقت مشکلی داشته باشد، خودش را پشت سر خدا پنهان می‌کند. اشتباهاتش را به گردن خدا می‌اندازد و هر کاری بکند، کاری است که خدا خواسته است. اما آنقدر که نفت اهمیت دارد، شاید خداوند

راههای سبز



آیا این تعبیر درست است که جمهوری اسلامی برای فرار از مسائل داخلی به سمت یک مشکل بسیار جدی خارجی پیش می رود؟ یعنی همان اتفاقی که زمان جنگ رخ داد که عملاً با ادامه جنگ و درحقیقت ادامه یک تنش بزرگ، حکومت به برخورد با مخالفان و تحکیم قدرت خود در داخل سامان داد. آیا می توان گفت که به بن بست کشاندن مذاکرات در همین مسیر است؟

این ساده ترین ارزیابی از این واکنش ایران است، اما باید دید نظامی که در حال استیصال است و در ضعیف ترین حالت خود قرار گرفته، می تواند چنان وضعیت خطیری را مدیریت کند؟ حاکمیتی که نه به قوای مردمی متکی است، نه مشروعیت ملی دارد، نه مرجع حاضر به پشتیبانی از آن هستند و نه بخصوص در جامعه جهانی می تواند مانند سی سال قبل به عنوان کشور مورد تجاوز واقع شده، چهره مظلومی داشته باشد، بعید است بتواند از چنین گرداب هولناکی بیرون بیاید. حاکمان جمهوری اسلامی بسیار ترسو تر و ضعیف تر از آنچه اظهار می کنند هستند. آنها حتی بر سر جزایر سه گانه حاضر نشدند کمترین تنشی با کشور امارات داشته باشند. از طرفی شرایط منطقه خلیج فارس امروز بسیار با شرایط همین منطقه در سی سال قبل فرق کرده، حضور آمریکا در دو سوی ایران و بخصوص این اجماعی که دارد بر علیه ایران به سرعت شکل می گیرد، حکومت ایران را با تمام خامی به این فکر می اندازد که شروع هرگونه تنشی در منطقه، قبل از هر چیز بک قربانی بنام ایران خواهد داشت. آنها انقدر شجاعت ندارند که با جان خود بازی کنند. یادمان نرود فریاد خشم آلود مقامات تهران، بیشتر برای پوشاندن ترس آنهاست تا نشانی از قدرتشان باشد.

ادامه چنین روندی چه سناریوهایی را پیش روی مسوولان جمهوری اسلامی برای برون رفت از شرایط موجود می گذارد؟

حاکمان ایران ممکن است به بهانه جنگی که خود دارند شعله هایش را می افزایند، با مخالفان داخلی برخورد کنند اما دامنه این سرکوبها خیلی زود فروکش خواهد کرد و آنها را به نتیجه مطلوبشان نمی رساند. آنها البته این سایه ترس را بر سر مردم می گسترند تا بلکه مردم را به بهانه احتمال بروز جنگ از ادامه حق طلبی شان منصرف کنند و یا تقصیر را بر معترضان ببندازند. اما اینها در عالم واقعیت دستاوردی است که حاکمان بدنبالش هستند، ولی "بقای" آنها را تضمین نمی کند. حاکمان جمهوری اسلامی به دنبال خرید زمان هستند تا به مرحله ای برسند که در مذاکره قدرت چانه زنی بالاتری از مثلاً تبدیل اورانیوم 5 به بیست درصدی بیابند و بتوانند به زعم خودشان قدرتهای جهانی را از پیگیری مسائلی مثل حقوق بشر در ایران پر هیز دهند و در عوض، بقای حکومتشان را از آن قدرتها مطالبه کنند. بر این اساس

اول اینکه آنها مدتی بر سرعت مخفی کاربهای هسته ای خود می افزایند. ممکن است به قاچاق بیشتر مواد لازم دست بزنند و نمایش اقتدار بدهند که این البته خیلی کاربردی نیست. توان ایران برای غنی سازی محدود است و فقط می تواند در کارزار تبلیغاتی ادعای سریع تر شدن روند غنی سازی را به نمایش بگذارد. دوم اینکه آنها به سرعت به روسیه و چین پیغام خواهند داد و ممکن است بخش دیگری از منافع ملی ایرانیان را قربانی لابی های پشت پرده خود با شرق کنند. این هم تا زمانی برای جمهوری اسلامی کاربرد دارد که واقعیت ها از امتیازها و معامله ها پیشی نگیرند. واقعیتی بنام احتمال جنگ خیلی از معامله های پشت پرده را بر هم می زند. چنانکه جمعه این اتفاق افتاد و روسیه و چین ناگزیر شدند به تعهد بین المللی خود متعهدتر باشند تا به مقامات معامله گر تهران. ماسوم اینکه وضعیت فعلی خیلی هم از نظر مقامات جمهوری اسلامی نامطلوب نیست که بدنبال راه برون رفت از آن باشند. از نظر حاکمان ایران هنوز تارسیدن قطعنامه آژانس انرژی اتمی به شورای امنیت راه زیادی باقی است و تازه اگر نتوانند اعضای شورای امنیت را با معامله های پشت پرده به انفعال بکشانند، بک قطعنامه دیگر صادر می شود که دست بالا، احمدی نژاد آن را کاغذ پاره ای می نامد و امکان

بخشی از عصبانیت دولت و واکنش شتابزده اش هم بابت همین بود که از روسیه و چین توقع نداشت تنهایش بگذارد. از طرفی آنهمه خرج ودادن امتیاز به برزیل که عضو شورای حکام است نتوانست رأی مناسبی برای جمهوری اسلامی بدنبال داشته باشد و دیدیم که برزیل هم "ممنوع" رأی داد. یعنی اسیر دیپلماسی خاله بازی جمهوری اسلامی نشد و آبروی جهانی خود را هزینه برنامه های مشکوک اتمی ایران نکرد. اینها باعث بروز آن واکنش کودکانه از سوی نظام شده که قطعاً شرایط را برای ایران بدتر از قبل خواهد کرد.

به نظر شما از منظر سود - فایده، چه دیدگاهی از چنین رویکرد استیسیزجویانه ای می تواند بهره ببرد؟ آیا این واکنش تنها یک برخورد احساسی و ناپخته و غیر حرفه ای در سطح روابط بین الملل است؟

دولت می خواهد با همان لحن پرخاشگرانه ای که با ملت دربند خود سخن می گوید، با جامعه جهانی هم حرف بزند. این واقع بینانه نیست و زبان گفتگو با دنیا شاخ و شانه کشیدن نیست و جهان چنین ادبیاتی را نمی پذیرد. اقدام عجولانه اعلام ساخت ده مرکز غنی سازی دیگر، علاوه بر اینکه خام دستانه بود، موجب شد دنیا به حرفی که منتهاست از سوی ناظران گفته می شود، برسد. ما می دانیم که این واکنش تند، ناشی از دلسوزی نظام جمهوری اسلامی برای تأمین انرژی و برق ملت نیست، اما حالا افکار عمومی جهانیان هم به این سوال بزرگ برخورد کرده که این عصبانیت و واکنش خشم برای تأمین برق و انرژی برای مردم است؟ اگر بله، چرا بدیهی ترین حقوق این مردم را تأمین نمی کنند و به مجرد کمترین اعتراضی، چاقوکش هایشان را به میان ملت می فرستند و از کشته، پشته می سازند؟ در حقیقت این رویکرد پرخاشگرانه نه تنها منفعتی برای دولت ایران ندارد، بلکه در تأیید سخنان کسانی است که نظام جمهوری اسلامی را در ادعای دستیابی به انرژی هسته ای "صلح آمیز" صادق نمی دانستند و همچنین باعث اجماع بیشتر کشورهای دنیا بر علیه حاکمیت اسلامی می شود. هر چند اقدام آژانس از جهاتی به سود "مردم" ماست، زیرا بر اساس اخبار موق، دولت اسرائیل قصد انجام یک حمله سرکوبگرانه بر علیه تأسیسات اتمی ایران را داشت که این قطعنامه موجب شد اسرائیل برای حمله بهانه ای نداشته باشد و خطر یک اقدام عجولانه از سوی اسرائیل فعلاً به تعویق بیفتد. طبیعتاً تعویق هر جنگی به سود "ملت" ماست و از این بابت، اجماع نهاد قانونی آژانس بر علیه برنامه اتمی ایران، عملاً از بروز یک جنگ ناگهانی و دامنگیر، البته فعلاً، جلوگیری می کند.

با این وضعیتی که دولت احمدی نژاد ایجاد کرده آیا از همین اکنون می توان گفت مذاکرات ایران با غرب با شکست مواجه شده است؟

سخنان رئیس مجلس و رئیس دولت کودتایی عملاً نشانه ای از قهر کودکانه مقامات جمهوری اسلامی است. کسانی که این حکومت و بازیها و عشو هایش را می شناسند می دانند این هم ممکن است در جهت سیاست "خرید زمان" باشد. آنچه مسلم است اینکه ایران بلوف زده و قادر نیست در زمان کوتاه، ده مرکز تازه برای غنی سازی اورانیوم بسازد. اگر واقعا جمهوری اسلامی تا دو ماه دیگر آن 5 مرکز غنی سازی را که احمدی نژاد تهدید کرده می تواند به سرعت بسازد و راه اندازی کند، باید به این نتیجه رسید که ایران قبل از این قطعنامه، مخفیانه در حال ساختن مراکز تازه غنی سازی بوده و با بهانه تازه ای که روز جمعه بدست آورده، در واقع خبر آن را با نوعی تهدید و شاخ و شانه کشی اعلام کرده است. طبعاً ایران دوباره به "عشو گری" در روند مذاکرات ادامه خواهد داد و واکنش شتابزده و غیر عقلانی روز شنبه دولت و مجلس همگی روی قضاوت غربی ها و داوری مردم جهان درباره صداقت مقامات جمهوری اسلامی اثرات مخربی می گذارد و ممکن است کلاف مذاکرات را از این هم که هست پیچیده تر سازد.

اهمیت نداشته باشد. در ایران زمانی که دولت نیاز به درآمد دارد، احمدی نژاد سخنرانی می کند و طبیعتاً همه جهان ملتهب می شود، اسرائیل به فکر حمله به ایران می افتد و اجلاس شورای امنیت تشکیل می شود و ارتش ایران، اسرائیل را تهدید به حمله نظامی می کند، در نتیجه قیمت نفت بالا می رود و درآمد کشور دوبرابر می شود.

واکنش مردم به این روند چگونه است؟
وقتی دولت کار می کند، مردم آزار می کشند و وقتی دولتی وجود ندارد، مردم زندگی شان بهتر می شود دولت تلاش می کند تا با همه قوا جلوی پیشرفت فرهنگ را بگیرد و مردم هم در واکنش به آن به خیابان ها می ریزند.

به لطف اینترنت نت تصاویر تظاهرات مردم به دستمان می رسد. ممکن است درباره جنبش سبز که جنبشی اعتراضی است برای پس گرفتن رای مردم، کمی صحبت کنید؟
می دانم که در ایتالیا مردم با جنبش سبز آشنا هستند. البته رنگ سبز ما با رنگ سبز شما فرق می کند. (منظور حزب لیگ شمال است که سبیلشان رنگ سبز است)، بلکه کاملاً با آن فرق دارد. در انتخابات هر کاندیدا یک رنگ را برای خودش انتخاب می کند. در جریان انتخابات، رنگ سبز، بطور اتفاقی به میر حسین موسوی افتاد. جنبش سبز یک جنبش صلح آمیز برای احقاق حقوق مردم است. جنبش سبز یک جنبش اجتماعی است که رهبر آن مردمان اند، از دانشجو گرفته تا روشنفکر تا همه اقشار مردم. مردم برای پس گرفتن رایشان که گم شده است، تظاهرات می کنند.

نظر تان درباره ایتالیا چیست؟
ایتالیا یک کشور بی نظیر است که اگر زودتر شناخته بودمش، برای زندگی کردن به آنجا می رفتم.

نظر تان درباره سیاستمداران ایتالیا چیست؟
شما برلوسکونی را دارید. اما سال هاست که او را انتخاب می کنید، دولت او یک بار شکست خورد اما باز هم او را انتخاب کردید. در گذشته همین اتفاق درباره آندرونوتی افتاده بود. شما شبیه به مردم ایران هستید.
منبع: افاری 27 نوامبر

بابک داد در مصاحبه با روز:

تو دیدی باقی نیست، اینها رفتی اند

کشور را مانند مزرعه ای به آتش می کشند.

بابک داد، روزنامه نگار، در مصاحبه با روز به ویژگی های تصمیم دولت احمدی نژاد مبنی بر تأسیس ده مرکز غنی سازی و سیاست مبارزه طلبانه دولت در مواجهه با غرب پرداخته است. وی با اشاره به ناکامی مقامات جمهوری اسلامی در کسب حمایت کشورهای مانند روسیه و چین و حتی برزیل در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، واکنش دولت در مذاکرات هسته ای را "کودکانه" می داند. این مصاحبه در پی می آید.

ایران در پاسخ به قطعنامه شورای حکام واکنش تندی نشان داده و از تأسیس ۱۰ مرکز غنی سازی جدید و کاهش همکاری ها با آژانس سخن گفته است.

این رویکرد وارد شدن به یک مرحله پرتنش دیگر در رابطه ایران با غرب نخواهد بود؟

در حقیقت واکنش جمهوری اسلامی، بخش دیگری از پرده رفتارهای نابینچار دولت در عرصه سیاست خارجی است. امروز ایران با این واقعیت تلخ مواجه شده که در عرصه های جهانی، نمی تواند روی دیپلماسی یارگیری های کودکانه خیلی حساب کند. روسیه و چین با همه امتیازاتی که تا بحال از جمهوری اسلامی گرفته اند، وقتی با این واقعیت روبرو شدند که اجماع جهانی قانونی بر علیه برنامه اتمی ایران، نسبت به احتمال حمله یکجانبه اسرائیل به تأسیسات هسته ای و بروز یک جنگ فرآگیر در منطقه، گزینه بهتری است طبیعتاً به گزین به مطمئن تر، یعنی تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی رأی مثبت داند و شاید



اجرائی آن را باور نمی‌کند. از دید مقامات جمهوری اسلامی فعلا بهترین کار سرکوب اصلاح طلبان و معترضان به بهانه این اتفاق است. ترقی عضو هیأت مؤتلفه دیروز گفته بود شعارهای مرگ بر روسیه و مرگ بر چین اصلاح طلبان باعث شد روسیه و چین به قطعنامه آژانس رأی مثبت بدهند! این یعنی شرایط فعلی و قطعنامه آژانس، همین قدر که ابزار سرکوب معترضان را به حکومت داده، خدا را شکر می‌کنند و خیلی به بعدش کاری ندارند. این حکومت نشان داده خیلی اهل آینده نگری نیست، که اگر بود دچار این سردرگمی و گرفتاری ها نمی‌شد.

در چنین وضعیتی دست دوستی دراز کردن به سوی کشورهای آمریکای لاتین و انجام سرمایه گذاری هایی که به گفته بسیاری از کارشناسان توجیه اقتصادی ندارد، براساس چه تحلیلی است؟

به عقیده من، حاکماتی در شرایط حاکمان امروز ایران، همواره در خلوت خود به چیزی به اسم فرجام خود می‌اندیشند. به چیزی به اسم احتمال سقوط فکر می‌کنند. به هارت و پورتی که می‌کنند نباید توجهی کرد. در اندرویشان غوغایی است. یکی از گزینه های محتوم حاکمان مستأصل و درمانده ایران، فکر کردن به این سوال بزرگ است که بعد از سقوط کجا برویم؟ شاید از این منظر بتوان حرکت عجیب دولت کودتایی در مناسبات میلیاردي با کشورهای آمریکای لاتین مثل برزیل و بولیوی و بخصوص ونزوئلا را هضم کرد، وگرنه هیچ منطق اقتصادی برای این حجم از مبادلات و سرمایه گذاری ایران با آن کشورهاي دور دست توجیه عاقلانه اي سراغ ندارد. فکر می‌کنم بهترین جا برای فرار کودتاچیان، جایی امن و دور دست در همان منطقه است. آنها بانکی مطمئن تر از "هوکو چاوز" سراغ ندارند که بتوانند اموال خود را نزدش بسپارند. در دنیا منطقه ای هم به امنی ونزوئلا و بولیوی یافت نمی‌شود که اگر کودتاچیان به آنجا بگریزند، دست کشورهایی مثل آمریکا از آنان دور باشد. ایران عملا نمی‌تواند با کشورهای که هفده ساعت مسیر هوایی با کشور فاصله دارند، مناسبات اقتصادی سودبخشی داشته باشد و حتی اگر بنزین را هم بخواهد از ونزوئلا بخرد، انقدر باید پول بابت حمل و نقلش بپردازد که سه برابر قیمت اولیه می‌شود. بنابراین وقتی به هفت بار سفر چاوز به تهران و 4 بار سفر احمدی نژاد به کاراکاس می‌نگریم، و با توجه به پیشینه هر دوی اینها که ظاهرا ضد امپریالیسم هستند و هر دو در داخل دچار بحران مشروعیت و مشکلات فراوان، این نتیجه خیلی بعیدی نیست که حاکمان ایران برای روزهای سخت خود، یابری بهتر از آقای چاوز نیافته‌اند. هر چند با اتفاقاتی که به سرعت دارد می‌افتد، معلوم نیست کودتاچیان بتوانند این نقشه را عملی کنند و به راحتی زمانهای پیشین بتوانند پول و اموال بگ ملت را بردارند و به آمریکای لاتین بگریزند. اما آنها متأسفانه مثل خیلی از مسائل دیگر، در این مورد هم دچار خامی ها و افکار نسنجیده خود هستند و معقول نمی‌اندیشند. آنچه نباید فراموش کنیم این است که اگر حضور مردم در اعتراضات کم رنگ شود و یا بدلالی خانه نشین شوند، کودتاچیان در اندک زمانی کشور را به مغزوبه ای تبدیل و سپس آن را ترک می‌کنند. باید حضوری مسئولانه داشته باشیم و نگذاریم شورمان را مانند مزرعه ای به آتش بکشند و بروند. وگرنه در اصل قضیه دیگر تردیدی باقی نیست، اینها رفتنی‌اند.



سپاه و بحران جدید

درخواست هلند از اتحادیه اروپا

نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گیرد

نمایندگان پارلمان هلند قطعنامه ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن از اتحادیه اروپا خواسته شده است نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا قرار گیرد. در این قطعنامه سپاه پاسداران به خاطر "حمایت از حماس"، "حزب الله لبنان" و "سرکوب معترضان بعد از انتخابات" به اقدامات تروریستی متهم شده است.

قطعنامه پارلمان هلند با 80 رأی مثبت از سوی احزاب راست میانه و لیبرال در برابر 70 رأی منفی احزاب چپ و سوسیالیست به تصویب رسید. ماکسیم ورهاگن وزیر خارجه هلند که خود عضو حزب دموکرات مسیحی است به این قطعنامه رأی مثبت داده است.

این قطعنامه قرار است در جلسه شورای اروپا که در ماه دسامبر در بروکسل برگزار می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این قطعنامه دولت هلند موظف شده است برای قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا تلاش کند.

به گزارش عصر ایران، این اولین بار است که پارلمان یک کشور اروپایی، نام سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار می‌دهد.

پارلمان هلند همچنین با تصویب قطعنامه دیگری از "سازمان بین‌المللی دریاوردی" خواسته است شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی را از عضویت در شورای عمومی این سازمان محروم کند. پارلمان هلند در توضیح علت این درخواست شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی را متهم به داشتن نقش در صادرات غیرقانونی سلاح به کشورهای و گروه‌های خارجی، کرده است.

پیش از این سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای هلند را پایتخت ویژه "تائوتی فرهنگی" معرفی و اعلام کرده بود که این کشور "دور جدیدی از جنگ تبلیغاتی خود را علیه دین اسلام آغاز کرده است." سپاه در این اطلاعیه تأکید کرده بود که تصویب بودجه 15 میلیون یورویی از سوی پارلمان هلند برای تزیین به رسانه‌های فارسی زبان وابسته به هلند، به هدف استحاله و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی از طریق جنگ نرم و انقلاب مخملی انجام شده است.

چند ماه بعد محتوای این اطلاعیه در کیفرخواست دادگاه‌های نمایشی بعد از کودتای انتخاباتی تکرار شد و بسیاری از زندانیان با چنین اتهاماتی روبرو شدند.

نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا

ارتش آمریکا از ابتدای سال 86 سپاه قدس (شاخه برون مرزی سپاه پاسداران) را به آموزش شورشیان عراق و ارسال سلاح‌های پیشرفته برای آنان متهم کرد، اتهامی که از سوی تهران تکذیب شد. اما در مرداد 86 ژنرال ریک لینچ از فرماندهان ارتش آمریکا در عراق، ضمن ادعای ورود پنجاه تن از اعضای سپاه قدس به خاک عراق برای آموزش جنگجویان شیعه، از تعقیب افراد مذکور توسط نیروهای آمریکایی خبر داد. بعد از آن جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا ضمن تکرار اتهام دخالت نیروهای سپاه قدس در ناآرامی‌های عراق، هشدار داد که این حرکات بدون پاسخ نخواهد ماند. متعاقب هشدار جورج بوش، رسانه های آمریکا گزارش دادند که کاخ سفید در صدد گنجاندن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی است.

در پاسخ به این موضع گیری، احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران، ورود نام سپاه به لیست سازمان‌های تروریستی را "بزرگ زربین افتخار آفرین دیگری در پرونده سپاه" دانست، و سردار صفوی فرمانده سپاه پاسداران تأکید کرد که نیروهای تحت فرماندهی وی، ضربات بیشتری به آمریکا

وارد خواهند ساخت.

سرانجام در آبان سال 86 با تصویب مجلس سنای ایالات متحده نام "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا قرار گرفت. مصوبه سنای آمریکا همزمان با حضور احمدی نژاد در نیویورک صورت پذیرفت و تمام جناح‌های حکومتی در ایران از اصلاح‌طلبان گرفته تا اصولگرایان به مخالفت با این مصوبه پرداختند.

سپاه در معرض تحریم‌های مداوم آمریکا

در این سال همزمان با گنجاندن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی، آمریکا علیه سپاه پاسداران و سه بانک ملی، ملت و صادرات ایران تحریم‌های جدیدی وضع کرد. تحریم صورت گرفته از سوی واشنگتن کل تشکیلات سپاه پاسداران را که متهم به ساخت سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت از تروریسم بود و شماری از بانک‌های ایرانی که در خدمت سپاه با برنامه هسته‌ای بودند، در بر می‌گرفت.

در اسفند ماه 87 شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه جدیدی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران تصویب کرد.

قطعنامه 1803 در برگیرنده تحریم‌ها و محدودیت‌هایی مالی و مسافرتی علیه آن دسته از افراد، موسسات و شرکت‌هایی بود که به نوعی با برنامه هسته‌ای و یا موشکی ایران در ارتباط قرار داشتند. نام 12 شرکت و 13 فرد ایرانی که عمدتاً به تشکیلات سپاه پاسداران وابسته بودند در ضمیمه این قطعنامه ذکر شده بود.

آمریکا در ابتدای سال 88 هم با انتشار یک گزارش سالانه ایران را "فعالترین دولت حامی تروریسم" در جهان معرفی کرد و بر فعالیت نیروی قدس سپاه پاسداران در زمینه کمک به رشد و نمو تروریست‌ها در خارج از کشور انگشت گذاشت.

در خرداد 88 و چند روز قبل از برگزاری انتخابات ایران، دولت آمریکا تحریم‌های مالی جدیدی را در مورد یک مشاور سپاه پاسداران و یک گروه شیعه مستقر در عراق به نام "ابومهدی المهندس" اعمال کرد. آمریکا گفته بود که داری‌های ابو مهدی المهندس، مشاور نیروی قدس سپاه را به دلیل تهدید امنیت عراق مسدود می‌کند.

اینک با تصویب قطعنامه علیه سپاه پاسداران در پارلمان هلند و درخواست این کشور از اتحادیه اروپا مبنی بر گنجاندن نام این سازمان در بین گروه‌های تروریستی، به نظر می‌رسد فصل جدیدی از اعمال فشار علیه این نیروی نظامی که به گفته فرماندهانش در چند ماه بعد از انتخابات خرداد، کشور را در اختیار داشته، شروع شده است.

دستگیری پنج تبعه بریتانیا توسط سپاه

وزارت امور خارجه ایران گفته خبر دستگیری پنج شهروند بریتانیایی در آبهای خلیج فارس در دست بررسی است اما به نقل از یک فرمانده سپاه پاسداران این خبر تأیید شده است.

روز سه شنبه، 1 دسامبر (10 آذر)، خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - اظهارات رامین مهمانپرست، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی را گزارش کرد که در مورد خبر دستگیری پنج تبعه بریتانیایی در آبهای خلیج فارس گفته است "اصل این موضوع که آیا این اتفاق افتاده و یا نه و همچنین جزئیات آن در دست بررسی است." آقای مهمانپرست افزوده است که "به محض اینکه صحت و سقم این خبر مشخص شود، اعلام خواهد شد."

در همانحال، خبرگزاری فارس خبر دستگیری شهروندان بریتانیایی را به نقل از یک مقام سپاه تأیید کرده است. این خبرگزاری به نقل از علیرضا تنگسیری، فرمانده منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران، نوشته است که "انگلیسی‌ها توسط نیروی دریایی سپاه دستگیر شده‌اند." به نوشته فارس، علیرضا تنگسیری در مصاحبه با این خبرگزاری گفته است که موضوع دستگیری اتباع بریتانیایی در خلیج فارس هنوز رسانه‌ای نشده و افزوده است "به محض رسانه‌ای شدن موضوع، در این باب

راههای سبز



همچنین اقدام روسیه در رای مثبت به قطعنامه اخیر شورای حکام درباره برنامه هسته ای ایران را سوال برانگیز خواند. شورای حکام از انس بین المللی انرژی اتمی روز جمعه، ۲۷ نوامبر، قطعنامه پیشنهادی محکومیت ایران به خاطر فعالیت مخفیانه در ساخت تاسیسات غنی سازی اورانیوم در «فردو» را با اکثریت آرا تصویب کرد و از جمهوری اسلامی خواست تا ساخت و ساز در این طرح را فوراً متوقف کند.

روسیه و چین، دو عضو شورای امنیت سازمان ملل و کشور های موسوم به ۵+۱، به این قطعنامه رای مثبت دادند. این دو کشور روابط نزدیکی با ایران دارند و طی سال های اخیر مانع تشدید تحریم ها علیه جمهوری اسلامی می شدند. در واکنش به قطعنامه شورای حکام، علی باقریان، معاون سیاست خارجی و امنیت بین الملل شورای عالی امنیت ملی، گفته است که ایران به همکاری با اژانس بین المللی انرژی اتمی ادامه می دهد.

علی باقریان در این زمینه گفت: جمهوری اسلامی ایران تصمیم دارد که با ادامه همکاری ها با اژانس بین المللی انرژی اتمی از ظرفیت های این نهاد در راستای تامین منافع استفاده کند.

این در حالی است که نمایندگان مجلس ایران روز یکشنبه طی بیانیه ای از دولت دهم خواستند به دلیل صدور قطعنامه شورای حکام اژانس بین المللی انرژی اتمی، همکاری خود را با این اژانس کاهش دهد.

بهای سنگین به جای راه حلی معقول



به عقیده گروهی از سیاستمداران و تحلیلگران برنامه اتمی ایران و تعامل و گفتوگوی احتمالی با کشورهای ۵+۱ وارد مرحله تازه ای شده است؛ دولت جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه در مصوبه ای سازمان انرژی اتمی این کشور را مکلف کرد که تا دو ماه آینده نسبت به آغاز احداث پنج سایت جدید غنی سازی اورانیوم و همچنین طراحی پنج سایت دیگر در مقیاس تاسیسات هسته ای نظنر اقدام کند. ۱۰ سایت جدید اتمی. آن هم درست اندکی پس از آنکه روز ۲۷ نوامبر شورای حکام اژانس بین المللی انرژی اتمی است که از تهران به دلیل پنهان کاری در ساخت سایت «فردو» شدیداً انتقاد کرده بود.

مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته با انتقاد از کشورهای طرف گفتوگوی ایران و اژانس بین المللی انرژی اتمی با هشدار از مورد احتمال کاهش همکاری ایران با اژانس، گفت که «قطعنامه اخیر شورای حکام نشان داد کشورهای غربی نه تنها به دنبال مذاکره برای وصول به راه حل نبودند، بلکه پیگیر نوعی کلابرداری سیاسی بودند».

کشور های غربی به شدت از اقدامات جدید ایران انتقاد کرده اند. در عین حال علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، روز دوشنبه به شدت از قطعنامه شورای حکام اژانس انرژی اتمی علیه فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی انتقاد کرده و آن را «ماجرای جوی» خواند و راه حل بحران هسته ای ایران را «مسیر دیپلماتیک» دانست.

داریوش همایون، مؤسس حزب مشروطه ایران، فعال و تحلیلگر سیاسی در مورد تازمترین گفته های علی لاریجانی و اقدام مجلس شورای اسلامی به رادیو فردا می گوید: مجلس شورای اسلامی در اختیار [آیت الله] خامنه ای است. این را باید به عنوان تصمیم خامنه ای در نظر گرفت. منتها حالا خواسته اند یک صورت دموکراتیک به آن بدهند. که بله. مثلاً این خواست نمایندگان مجلس بوده است.

های مرزی ایران و عراق در ماه مارس ۲۰۰۷ است. مقامات ایرانی این افراد را به ورود غیرقانونی به آب های خود متهم کردند در حالیکه دولت بریتانیا تاکید داشت که آنان هنگام انجام ماموریت در آب های مرزی عراق توسط نیرو های ایرانی بازداشت شدند.

این پانزده نفر پس از دوازده روز به دستور محمود احمدی نژاد و بدرقه مقامات دولتی آزاد و با هوایما رهسپار کشور خود شدند. در سال ۲۰۰۴ نیز هشت نظامی بریتانیایی در آب های اروند رود - شط العرب - همگام آموزش گشتی های عراقی بازداشت و پس از مدتی آزاد شدند. خبر دستگیری پنج شهروند بریتانیایی در هفته گذشته در حالی گزارش می شود که روابط بریتانیا و جمهوری اسلامی، که به ندرت گرم و صمیمانه بوده، در ماه های اخیر به خاطر اختلاف بر سر برنامه های اتمی ایران و اتهام مقامات ایرانی در مورد حمایت رسانه های بریتانیایی از معترضان به نتیجه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، به تیرگی گراییده است.

برخی از رهبران جمهوری اسلامی و افراد و رسانه های تندرو تر طرفدار دولت، کشورها و رسانه های غربی و به خصوص بریتانیایی و آمریکایی را به خاطر انتشار گزارش های مربوط به اعتراضات به نتیجه انتخابات، مسئول برگزاری تجمع های اعتراضی و ادامه بحران سیاسی در ایران دانسته اند.

بحران اتمی

درخواست شفاف سازی ۱۰ مرکز جدید غنی سازی

سازی

اژانس بین المللی انرژی اتمی روز سه شنبه از ایران خواست تا در خصوص برنامه این کشور برای ساخت ۱۰ مرکز جدید غنی سازی اورانیوم شفاف سازی کرده و توضیحات لازم را ارائه کند.

اژانس بین المللی انرژی اتمی در بیانیه ای اعلام کرده است: «ایران تاکنون به طور مستقیم اژانس را مطلع نکرده است. اژانس خواهان شفاف سازی این کشور درباره خبر اعلام شده است.»

دولت ایران روز یکشنبه در مصوبه ای سازمان انرژی اتمی این کشور را مکلف کرد که تا دو ماه آینده نسبت به آغاز احداث پنج سایت جدید غنی سازی اورانیوم و همچنین طراحی پنج سایت دیگر در مقیاس تاسیسات هسته ای نظنر اقدام کند.

در حالی که اژانس بین المللی انرژی اتمی تاکید می کند ایران از زمان تصمیم گیری برای ساخت هر مرکز غنی سازی اورانیوم می بایست این اژانس را از ساخت این گونه تاسیسات مطلع کند، ایران در پاسخ می گوید این کشور حق دارد فقط شش ماه قبل از آغاز به کار چنین تاسیساتی اژانس را مطلع کند. ایران هم اکنون دو مرکز غنی سازی اورانیوم اعلام شده دارد. تاسیسات نظنر که به گفته مقامات ایران ظرفیت نصب ۵۰ هزار سانتریفوژ دارد و تاسیسات جدید در حال ساخت در نزدیکی شهر قم که تنها ظرفیت نصب «سه هزار سانتریفوژ» را دارد.

طبق گزارش ماه اخیر اژانس بین المللی انرژی اتمی هم اکنون از هشت هزار و ۶۹۲ سانتریفوژ در تاسیسات نظنر، سه هزار و ۹۳۶ سانتریفوژ فعال هستند.

نامه اعتراضی

در همین حالت، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران روز سه شنبه گفته است: نامه اعتراضی را برای ۲۵ عضو شورای حکام که علیه این کشور رای مثبت داده اند، خواهد فرستاد و در آن از تصمیم این کشورها در قبال برنامه هسته ای جمهوری اسلامی انتقاد خواهد کرد. رامین مهمانپرست، سخنگوی وزارت امور خارجه،

اطلاع رسانی های لازم صورت می گیرد. این عضو سپاه پاسداران گفته است که «تحرکات در خلیج فارس کاملاً تحت نظر سپاه است» و تلویحا اقدام در دستگیری شهروندان غیرنظامی بریتانیایی را به نیروی دریایی سپاه نسبت داده است.

وی افزوده «اگر انگلیسی ها در خلیج فارس دستگیر شده اند، مطمئناً معلوم است که توسط چه نیرویی از کشور دستگیر شده اند.»

خبرگزاری فارسی معمولاً به داشتن مواضع تند ضد غربی و مخالفت با گسترش روابط جمهوری اسلامی و غرب شهرت دارد و مشخص نیست که آیا اقدام این خبرگزاری در رسانه ای کردن حادثه دستگیری شهروندان بریتانیایی با هدف خاصی صورت گرفته است یا نه.

همین خبرگزاری در خبر دیگری در روز سه شنبه نوشته است که دانشجویان دانشگاه تهران روز چهارشنبه در برابر سفارت بریتانیا در تهران دست به تظاهرات می زنند و خواستار تحویل آرش حجازی، پزشک شاهد مرگ ندا آقا سلطان، خواهند شد و نسبت به «اقدام اخیر ملوانان انگلیسی در ورود غیرقانونی به آبهای جمهوری اسلامی» اعتراض خواهند کرد.

با وجود اظهارات این مقام سپاه پاسداران، که برخی خبرگزاری های بین المللی نیز به نقل از فارس آن را گزارش کرده اند، منابع وزارت خارجه بریتانیا گفته اند که خبر بازداشت پنج شهروند بریتانیایی توسط نیروهای جمهوری اسلامی هنوز از سوی مقامات ایرانی رسماً تایید نشده است.

در عین حال، دیوید میلیبند، وزیر امور خارجه بریتانیا، گفته است که این پنج غیرنظامی بریتانیایی احتمالاً پس از ورود سهوی به آبهای ایران بازداشت شدند و افزوده است که این موضوع جنبه سیاسی ندارد و بریتانیا در صدد رویارویی با ایران نیست و دستگیری شهروندان بریتانیایی را یک مساله صرفاً کنسولی است که باید از همین طریق حل شود.

رسیدگی قضایی

در همان حال، اسفندیار رحیم مشایی، رئیس دفتر رئیس جمهوری، با تایید تلویحی خبر دستگیری پنج شهروند بریتانیایی، گفته است که قوه قضائیه نحوه برخورد با آنان را مشخص خواهد کرد.

آقای مشایی افزوده است «طبیعتاً در صورت اثبات سوء نیت این افراد، برخورد جدی و قاطع با آنها صورت خواهد گرفت»

روز دوشنبه گزارش شد که پنج شهروند بریتانیایی ظاهراً توسط نیروهای ایرانی در آب های خلیج فارس دستگیر شده اند.

بر اساس گزارش ها، این پنج نفر سرنشینان یک قایق تفریحی متعلق به یک شرکت بحرینی سازمان دهنده مسابقه قایقرانی مسیر دویی به مسقط، در عمان، بودند که برای شرکت در این مسابقه، از بحرین عازم دویی شده بودند.

این مسابقه روز ۲۶ نوامبر در این مسیر برگزار شد. این حادثه روز چهارشنبه، ۲۵ نوامبر، روی داد و احتمال می رود قایق حامل این پنج ورزشکار در مسیر بحرین به دویی سهواً وارد آب های سرزمینی ایران شد و ماموران ایرانی آنان را بازداشت کردند اما به دلایلی، تا روز دوشنبه، خبری در مورد بازداشت یا دست کم ناپدید شدن این افراد انتشار نیافت.

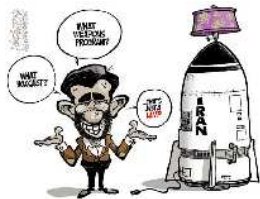
وزیر امور خارجه بریتانیا علت تاخیر در انتشار خبر بازداشت پنج شهروند بریتانیایی را ناشی از وقوع این حادثه در خلال تعطیلات آخر هفته ایران و بریتانیا عنوان کرده است.

در مقابل، این نظر هم مطرح شده است که مقامات بریتانیایی از این حادثه آگاهی داشتند اما با توجه به روابط حساس با جمهوری اسلامی در حال حاضر، ترجیح دادند از انتشار این خبر خودداری ورزند با این امید که با جلوگیری از تبدیل آن به یک ماجرای سیاسی جنجالی، این مشکل با سرعت بیشتری حل و فصل شود.

بازداشت این پنج تبعه بریتانیایی یادآور اقدام نیروی دریایی ایران در دستگیری پانزده نظامی بریتانیایی در آب



کاردین: ایران به بحران دامن می زند



تقریباً محال است که ایران در حال حاضر توانایی ساخت 10 مرکز غنی سازی اورانیوم مجهز به نسل جدید از سانتریفوژها را داشته باشد؛ سانتریفوژهایی که هنوز باید در عمل تحت آزمایش قرار گیرند. اما مسأله اصلی این نیست.

مسأله این است که این ماجرا از قبل برای یک نمایش تدارک دیده شده بود. ایران به اجرای پانومیم و مجموعه ای از شانه بالا انداختن ها در برابر رأی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی هسته ای در وین دست زد. شورای حکام به دلیل تاسیسات تازه کشف شده در شهر قم، این کشور را محکوم کرد و پرونده آن را بار دیگر به شورای امنیت سازمان ملل عودت داد.

داستان آشنائی است. آخرین باری که شورای حکام ایران را در سال 2006 به شورای امنیت سازمان ملل حواله کرد، ایران هم سطح همکاری خود با آژانس را به شدت کاهش داد و مشغول ادامه غنی سازی اورانیوم شد. چند هفته بعد بود که احمدی نژاد خبر از موفقیت دانشمندان ایرانی در غنی سازی اورانیوم- برای اولین بار- داد.

اکنون نیز پیام ایران به همان اندازه روشن است: ما از فرستاده شدن پرونده خود به شورای امنیت به دلیل فعالیت هایی که در حیطه حقوق مان است، ناخشنود هستیم. اگر شما این کار را بکنید، برایتان گرانتر تمام خواهد شد.

ایران در حال حاضر قادر به تولید یک تن اورانیوم با درجه خلوص پائین در سال است. این حجم از اورانیوم، توانایی چندان بالایی را به نمایش نمی گذارد، اما اگر هدف تولید بمب باشد، همین مقدار تولید نیز به شرط غنی سازی بیشتر، قابل توجه محسوب می شود. زمانیکه ذخیره اورانیوم ایران در فوری گذشته از مرز یک تن گذشت، هیاهوی بزرگی به پا شد. اکنون احمدی نژاد، سخن از غنی سازی 300 تن اورانیوم در سال می دهد.

احمدی نژاد با اعلام چنین مطلبی، پیام محکمی را به طرف های مختلف ارسال کرد. به زبان سیاسی ایران، این به معنی آن است که هیچ حل و فصلی صورت نگرفته است. مذاکره احمدی نژاد با ایالات متحده، فرانسه و روسیه بر سر قرارداد خارج کردن اورانیوم از کشور، مشکلاتی را در داخل برآورد و وجود آورد. مخالفان توانستند احمدی نژاد را به چانه زنی بر سر خروج دست آوردهای پر مشقت از ایران متهم کنند. همه این ها حاکی از آن است که رئیس جمهور ایران قصد ندارد اشتباه مشابهی را تکرار کند.

از دیدگاه سیاست جهانی نیز این اقدام احمدی نژاد، پرده از استدلال های معمول آن کشور در برابر شورای امنیت، شکست خورده است. چنین شرایطی، کار پیشبرد اقدامات غیرنظامی رئیس جمهور در کشور، و پنتاگون را دشوارتر خواهد کرد. سرانجام اینکه تمام تحولات اخیر، خبر بدی برای کنفرانس بازنگری پیمان عدم اشاعه جنگ افزار کشتار جمعی (ان-پی-تی) خواهد بود. این کنفرانس، آخرین شانس برای سر پا نگه داشتن معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای محسوب می شود.

روس ها قابل اعتماد نیستند

تهران فرصت طلایی روس هاست برای بده بستان با واشنگتن

این روزها ریزنی ها ایران و روسیه بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است. از یک سو نیروگاه اتمی بوشهر معطل روس هاست و از سوی دیگر ایران مذاکرات جدی خود را برای همکاری نفتی و گازی به شرکت روسی گازپروم عرضه می کند. موشک های S300 هنوز تحویل ایران نشده است که تفاهنامه توسعه میدان های نفتی آذر و چمگوله امضا می شود و در آخرین اتفاق روسیه در شورای حکام علیه ایران رای می دهد. اما ایران هنوز بر قرار و قول های خود برای همکاری های گازی و نفتی پابرجاست. آیا روسیه شریک قابل اعتمادی برای ایران است؟

روسیه سال هاست در صدد پر کردن نقطه تحریم در ایران است. وقتی فروش هواپیماهای مسافربری از سوی آمریکا و شرکای غربی اش به ایران ممنوع شد، توپولوف ها راهی ایران شدند. همان هواپیماهایی که چنان در کسب اعتماد مردم ایران شکست خورده اند که دیگر نه روی کارت پرواز و نه روی اطلاعات آن خبری از نامشان نیست. خودشان هستند و نامشان نیست تا مسافرها از ابتدا استرس سوار شدن بر توپولوف را نداشته باشند.

مسأله روسیه امروزه به مسأله ای مهم و اساسی در سیاست ایران تبدیل شده است. از یک سو گروهی روسیه را به هیچ روی شریک قابل اعتمادی برای ایران نمی دانند و معتقدند محاسبات بین المللی ایران فارغ از روسیه باید منظر باشد و از سوی دیگر عده ای در تلاشند تا با ریزنی ها دیپلماتیک و گشودن در های جدید در روابط ایران و روسیه سعی در ختم به خیر کردن اتفاق کنند. این روزها ما متور مذاکرات نفتی و گازی میان ایران و روسیه داغ است. شرکت گازپروم پیشنهادات جذابی از ایران دریافت کرده است، پیشنهاداتی برای توسعه 16 میدان نفتی و گازی. هر چند رییس این شرکت اعلام کرده است که شرکت متبوعش مایل به سرمایه گذاری در حوزه های نفتی و گازی ایران است، اما نمی توان با اطمینان از پیشبرد پروژه ها سخن گفت.

ایران هم اکنون تفاهنامه ای را با شرکت گازپروم پنجمین شرکت تولیدکننده انرژی در روسیه به امضا رسانده است که بر اساس آن مطالعات توسعه دو میدان نفتی آذر و چمگوله در حوزه اناران توسط این شرکت آغاز خواهد شد. الکساندر دیوکوف، مدیر عامل گازپروم نفت در سخنانی با اشاره به این که این تفاهنامه آینده خوبی خواهد داشت، اعلام کرده است: آغاز به کار گازپروم نفت در ایران گامی محسوس برای تحکیم مواضع این شرکت در بازار های جهان است.

نمیاید از نظر دور داشت که روس ها یک بار در همین دو حوزه به ایران بدقولی کرده اند. دور نبود زمانی که کنسرسیومی متشکل از شرکت های لوک اویل روسیه و هیدرو نورژ هر یک به ترتیب با ۷۵ و ۲۵ درصد سهام عملیات در میدان های نفتی آذر و چمگوله در حوزه اناران را به عهده داشتند، اما دو شرکت در سال ۲۰۰۷ در نتیجه تحریم های آمریکا، عملیات در این دو میدان را متوقف کردند. این بار روس ها در قالبی دیگر آمده اند برای کسب اعتبار در بازار های بین المللی توسط شرکتی که عنوان پنجمین تولیدکننده نفت در روسیه را بدک می کشد. طعم تلخ قرارداد ترکمانچای هنوز زیر زبان مردم ایران است که این نام را برای هر زبان گزافی بر زبان می رانند. همان گونه که تغییر نسل ها در ایران از تلخی این قرارداد نکاسته است، تغییر نسل ها در روسیه نیز تغییر جهت گیری های روس ها را به دنبال نداشته است.

کم نیستند کارشناسانی که بر این اعتقادند که تهران فرصت طلایی روس هاست برای بده بستان با واشنگتن؛ این اظهار نظر چیزی نیست جز همان مثال قدیمی، مثالی که می گفت چکمه های روسی قابل اعتماد نیست.

منبع: ایلنا

در این صورت آقای دکتر همایون پس چرا مجلس بیانیه صادر کرده است؟ اگر مجلس می خواست موضع بگیرد می توانست این را به صورت یک مصوبه ارائه کند و دولت جدید را برای اجرای آن ملزم کند. چرا یک بیانیه در مجلس خوانده شده و در آن بیانیه خواسته شده است که دولت سطح همکاری هایش را با آژانس بین المللی هسته ای کاهش دهد؟

بخشی از مانور هایی که بر سر مسئله اتمی ایران چه در درون دستگاه حکومتی و چه در برابر جامعه بین المللی وجود دارد برای این است که نمی خواهند به کلی در را ببندند. بلکه انتظار دارند شکافی در سطح متحدین آمریکا بیافتد و مهلتی برای ادامه مذاکرات به دستشان بیافتد. از یک سو هم غرب را بترسانند که بله ما همکاری خود را با آژانس قطع می کنیم و بنابر این به دنبال برنامه های خودمان خواهیم رفت و هم اینکه الزام آور نباشد که به کلی در های مذاکره بسته شود. این را باید به عنوان یک تاکتیک تلقی کرد. اما به نظر نمی رسد که این کارها دیگر به جایی برسد.

آقای لاریجانی هم در آغاز روز یکشنبه جلسه مجلس عنوان کردند که گروه ۵+۱ باید دست از سیاست مسخره چماق و هویج دست بردارد. فکر می کنید الان با توجه به شرایط کنونی بین المللی و با توجه به درخواست چندین باره البرادعی برای موظف دانستن ایران به رعایت توافقنامه وین و قطعنامه شورای حکام، آیا به اعتقاد شما شرایط بین المللی به گونه ای هست که مثلاً با این صحبت رئیس مجلس ایران و صدور بیانیه نمایندگان، سیاست های گروه ۵+۱ تغییر کند؟

این ها خودشان را فریب می دهند. این سیاست ها به هیچ وجه مسخره نیست مخصوصاً الان که سهم چماقش بیشتر از هویج خواهد شد. این از جنس همان حرف هایی است که زمانی می زدند که «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند» و بعد دیدیم که چقدر بلا بر سر جمهوری اسلامی و ایران آمد و این مسئله دوباره دارد تکرار می شود. اینها دارند مسئله را مثل جنگ عراق به جایی می رسانند که فقط با پرداخت بهای سنگین می شود از زیر آن بیرون آمد. من فکر نمی کنم این مسئله کمترین تأثیری در فضای بین المللی داشته باشد.

آمریکایی ها تا به حال خوب کار کرده اند و توانسته اند به طور روزافزون عرصه را بر جمهوری اسلامی ایران تنگتر کنند. فقط امیدوارم ندای عقل و میانه روی- اگر هنوز هم در جمهوری اسلامی چیزی از آن باقیمانده باشد- این پیام را بگیرد و به این موضوع به طور جدی نگاه کند، نه به عنوان یک مسئله مسخره.

آیا رهبران جمهوری اسلامی در شرایطی هستند که پیشنهادات گروه ۵+۱ و جامعه جهانی را بپذیرند و به آن تن دهند؟

به نظر هر ناظری که مختصری خرد در سر خود داشته باشد جمهوری اسلامی هیچ مشکل اساسی در پذیرفتن یک راه حل معقول با دنیای غرب و کشورهای ۵+۱ ندارد. برای اینکه حداکثر بهایی که اینجا می پردازند این است که پول هایی که از سپرده های گذشته ایران باقیمانده است را از آمریکا پس می گیرند تحریم های اقتصادی برداشته می شود و وضع جمهوری اسلامی در جامعه بین المللی عادی می شود و البته فن آوری و غنی سازی اورانیوم هم بین المللی می شود. هیچ کدام از اینها هزینه های سنگینی برای جمهوری اسلامی نیست.

من حقیقتاً تعجب می کنم که چرا اینها کار را به اینجا رسانده اند؟ تنها علتش این است که خامنه ای نمی خواهد زیر بار شکست دیگری برود. و بسیاری از نیرو های درون دستگاه حکومتی در جمهوری اسلامی نمی خواهند احمدی نژاد کسی باشد که این مشکل را حل کند و روابط ایران با آمریکا را از حالت خصمانه خارج کند. تنها دلیلش می تواند همین مشکلات درونی نظام و دستگاه جمهوری اسلامی باشد و الله حقیقتاً هیچ مانع دیگری وجود ندارد.

منبع: علیرضا کرمانی



راههای سبز

دادستان تهران:

مسمومیت دارویی علت مرگ پزشک

کهریزک، مرتضوی دامان

دادستان تهران در مورد انتقادات اخیر مقام معظم رهبری نسبت به فضای تهمت زنی و شایعه سازی بر ضد مسئولان کشور، با بیان این‌که فرمایشات ایشان در قوانین پیش بینی شده است، تصریح کرد: تخریب‌ها نسبت به شخص رئیس جمهور، رسوای دیگر قوا و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را پیگیری می‌کنیم.

به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، دکتر عباس جعفری دولت آبادی در حاشیه مراسم تودیع و معارفه سرپرست دادسرای ناحیه ۱۹ تهران درباره وضعیت پرونده مرگ پزشک کهریزک گفت: پزشکی قانونی در مورد مرگ پزشک کهریزک اظهار نظر کرده که مسمومیت دارویی علت مرگ وی بوده است و قرص‌هایی که در سالاد کنار این پزشک کشف شده با آنچه که پزشکی قانونی نظر داده مطابقت دارد.

دادستان تهران ادامه داد: تا این لحظه نشان می‌دهد که مرگ ناشی از مسمومیت دارویی بوده اما این‌که این اقدام ناشی از قتل یا خودکشی است، تحقیقاتش ادامه دارد.

جعفری دولت آبادی در ادامه افزود: کارگر رستورانی که غذا را برای پزشک کهریزک آورده بود شناسایی شده و بازپرسی از وی صورت گرفته است.

وی در تحقیقات گفته است که وقتی غذا را به اتاق آورده بود در اتاق قفل بود و دکتر آن را باز کرد بعد از تحویل آن را بست ما فکر می‌کردیم که چگونه این غذا وارد اتاق شده بنابراین تحقیقات بسیار مفصلی انجام دادیم.

دادستان تهران با تأکید بر این‌که این کارگر رستوران در بازداشت نیست، گفت: در حال حاضر تحقیقات از اولیای دم برای بررسی تلفن‌ها و ایمیل‌های پزشک کهریزک شروع شده اما آنچه در حال حاضر پزشکی قانونی در این خصوص اعلام کرده مبرکانه ناشی از مسمومیت دارویی بوده و تحقیقات در زمینه خودکشی یا قتل ادامه دارد.

جعفری دولت آبادی تأکید کرد: دادسرا در مورد این پرونده اطلاعات رسمی خواهد داد و تحقیقات با سرعت و دقت ادامه دارد.

به گزارش ایسنا، جعفری دولت آبادی همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار فارس مبنی بر این‌که عده‌ای برای تجمعات غیرقانونی در ۱۶ آذر بیانه صادر می‌کنند و دادسرا برای برخورد چه اقدامی می‌کند؟ اظهار کرد: پلیس در کلیه تجمعات غیر قانونی با کسانی که محل نظم می‌شوند مکلف به برخورد است و اگر تجمعات بدون مجوز برگزار شود با برهم زدن نظم برخورد خواهد شد به ویژه کسانی که موجب اختلال نظم عمومی می‌شوند.

وی در پاسخ به سوال خبرنگار فارس درباره آخرین وضعیت بازداشتی‌های ۱۳ آبان گفت: اکثر بازداشتی‌های ۱۳ آبان به جز چند نفر آزاد شدند و حداکثر ۴ یا ۵ نفر باقی ماندند که این چند نفر نیز پرونده‌هایشان به دادگاه ارسال خواهد شد.

دادستان تهران در پاسخ به سوال ایسنا، مبنی بر این‌که مقام معظم رهبری از وضعیت توهمین به سران نظام انتقاد کردند دادستانی برای رفع این دغدغه و تحقق خواسته‌های ایشان چه اقدامی خواهد کرد؟ گفت: در قانون اساسی و قانون مطبوعات گسترش اخلاق یکی از رسالت‌های مطبوعات بوده بنابراین مطبوعات حق ندارند توهمین، افترا و اهانت کنند بنابراین این موضوع در قانون اساسی و قانون مطبوعات پیش بینی شده که گسترش اخلاق و فضایل اخلاقی از رسالت‌های مطبوعات است.

وی ادامه داد: در مورد برخی از مقامات، قانون گذار صریحاً نام برده است. همانند ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی که بیان شده اهانت به مقامات رسمی مثل رئیس جمهور و مقامات در حال انجام وظیفه یا به سبب آن با آنان برخورد صورت گیرد. بنابراین آنچه مقام معظم رهبری فرمودند در قوانین پیش بینی شده که اهانت به مقامات

کرده اند کسانی که دوست دارند به دیدار وی بروند حتی اگر او امتناع کند و یا حاضر به ملاقات نشود، این کار را انجام دهند، زیرا حضور مردم و دوستان در بهتر شدن روحیه این روزنامه نگار بسیار موثر است.

روح یا جسم

از سوی دیگر یکی از خوانندگان "روز" با ارسال ایمیلی ضمن خبر دادن از بستری شدن سیامک پورزند در بیمارستان طوس و دیدارش با این روزنامه نگار نوشته است: آقای پورزند گفت "من مریض جسمی نیستم، مرا از نظر روانی بیمار کرده اند".

او در ادامه با بیان اینکه سیامک پورزند زیر سرم است و غیر از آب چیزی نمی‌خورد، از وخامت وضع روحی و جسمی این روزنامه نگار خبر داده و نوشته است: "آقای پورزند واقعا مشکل جسمی جدی ندارد ولی به شدت از افسردگی رنج می‌برد. به گفته خود او بعد از انتخابات شرایط روحی اش بسیار بدتر شده است، چون اکثر دوستانی که با آنها روزگار خوشی داشت یا زندانی شدند یا از ایران رفتند و او از اینکه آنها نیستند بسیار متأثر است. او واقعا تنهات و نیاز به محبت دارد؛ علاوه بر این او از هر چیزی به شدت وحشت دارد. ترس عجیبی در وجودش می‌بینم. او شدیداً دل تنگ خانواده و دوستان است".

سیامک پورزند از هفت سال پیش اسپر دستگاه‌های مافیائی امنیتی است؛ او را گاهی به علت وخامت وضعیت جسمی به خانه می‌فرستند و بعد از مدتی باز دستگیرش می‌کنند.

مهر انگیز کار، همسر سیامک پورزند و بنفشه و آزاده، دو دختر این روزنامه نگار مقیم آمریکا هستند و لیلی پورزند، دختر دیگر وی مقیم کانادا است. آنها بارها از مسولان جمهوری اسلامی تقاضای امان نامه کرده اند تا نزد پدر خود بروند اما تاکنون پاسخی به آنها داده نشده است.

لیلی پورزند در این زمینه پیش تر به "روز" گفته بود: "چه در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی و چه در 4 سال گذشته ما بارها به صورت مستقیم و غیر مستقیم به ارگان‌ها و افراد مختلف نامه نوشته و خواسته ایم حتی به صورت لفظی به ما امان نامه بدهند تا پیش پدرم برویم و از او پرستاری کنیم. حتی مادرم شخصا به محمود احمدی نژاد نامه نوشت و این درخواست را کرد اما تاکنون هیچ جوابی به ما نداده اند؛ برگشتن هر یک از ما به ایران هم مصادف با رفتن به ناکجا آباد است و خانواده ما واقعا توان ضربه ای دیگر را ندارد. مادرم زندان رفت و دچار سرطان شد، پدرم را هم به این وضع دچار کرده اند".

وی در همین ارتباط به سفر آزاده، دختر کوچک آقای پورزند به ایران اشاره کرده و گفته بود: "آزاده وقتی از ایران خارج شد فقط 16 سال داشت و هیچ وقت وارد مسائل سیاسی و حقوق بشری نشده و فقط مشغول تحصیل بود. وقتی پدر را از زندان و بیمارستان به منزل منتقل کردند او به ایران رفت تا در کنار پدر باشد البته همان موقع نیز که آقای خاتمی، رئیس جمهور بودند ما از طریق برخی رایزنی‌ها توانستیم به قولی برای آزاده امان نامه بگیریم و به ما گفته بودند که فقط با این شرط اجازه ورود آزاده را میدهند که ظرف ده روز ایران را ترک کند و آزاده نیز به ایران رفت اما متأسفانه او را که 19 سال بیشتر نداشت تحت بازجویی و آزار قرار داده بودند؛ جالب این است که ما در خارج از کشور، خیلی با مفهوم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آشنا نبودیم اما آزاده را در حراست این کانون ساعت‌ها تحت بازجویی‌های خصوصی قرار داده بودند و آزاده می‌گفت امیدی به بازگشت نداشته است".

خانم پورزند تصریح کرده بود: "پدرم سالهاست که فعالیت‌های معمول اجتماعی خویش را کنار گذاشته و همه درها را به روی خود بسته است به این خاطر که بتواند صدای فرزندان را بشنود و در کنار همسر و فرزندان باشد اما دستگاه‌های قضایی و امنیتی تاکنون چنین اجازه‌ای نداده اند. ما حاضریم هر شرطی را که می‌گویند بپذیریم تا پدرمان را تحویل بگیریم".

منبع: فرشته قاضی- روز آن لاین

استمداد دختر سیامک پورزند پدرم از زندگی بریده، رهایش کنید



در مورد وضعیت سیامک پورزند، روزنامه نگار 78 ساله ایرانی که به گفته خانواده اش "از هفته گذشته حاضر به خوردن غذا نشده و ارتباط تلفنی با خانواده و دوستانش را نیز قطع کرده" با دختر وی مصاحبه کرده ایم. پورزند، از 15 روز پیش به علت وخامت وضع روحی و جسمی در بیمارستان طوس بستری شده؛ هر چند او خود گفته است: "بیمار جسمی نیستم روان را بیمار کرده اند." به همین دلیل است که لیلی پورزند می‌گوید: "پدرم برای جمهوری اسلامی خطری ندارد، به او اجازه خروج بدهید".

سیامک پورزند، 30 مهرماه نیز در بیمارستان ایران مهر بستری اما بعد از چند روز مرخص شده بود. همان موقع لیلی پورزند به "روز" گفت: "ترخیص پدرش از بیمارستان نه به دلیل بهبودی حال او، بلکه به این معناست که کار بیشتری نمی‌توان انجام داد".

اما با وخیم شدن وضع پورزند، لیلی به "روز" می‌گوید: بعد از گزارش قبلی که حدود یک ماه پیش شما از وضعیت پدرم منتشر کردید، پدر از بیمارستان ایران مهر مرخص شد و تحت درمان‌های جدید قرار گرفت اما داروهای چندان اثر نکرد؛ علت هم، تنهائی مطلق و وضع روحی بسیار آشفته اوست؛ بخصوص اینکه او از پذیرش داروهای که باید دقیق و سر ساعت مصرف شود، امتناع می‌کند.

خانم پورزند که حقوق‌دان و مقیم کانادا است، می‌افزاید: "پدرم استرس شدیدی داشت و پای تلفن خیلی بی‌قراری میکرد و ما نمیدانستیم باید چکار کنیم تا اینکه دو هفته پیش با وخیم تر شدن حالش، به کلینیک و از آنجا به بیمارستان طوس منتقل شده است".

وی با بیان اینکه بیمارستان طوس، بخش اعصاب و روان ندارد، می‌گوید: "پدرم ترجیح میدهد که در این بیمارستان باشد چون پزشکان و دوستان ما آنجا هستند و خیلی کمک می‌کنند اما متأسفانه این کمک‌ها هیچ تأثیری نداشته و پدر از هفته پیش اصلاً غذا نمی‌خورد و از 5 روز پیش ارتباط تلفنی خود را با اعضای خانواده قطع کرده است و هر چقدر که التماس می‌کنیم فقط می‌گوید نمی‌توانم حرف بزنم و قطع می‌کند".

به گفته لیلی پورزند "پدرش از پذیرش و ملاقات دوستان و آشنایان هم امتناع می‌کند و این نشان‌دهنده این است که این روزنامه نگار، دست رد به زندگی می‌زند و دست از زندگی شسته است".

دختر سیامک پورزند می‌گوید: "دکتر معالج پدرم تلاش می‌کند او به یک کلینیک خصوصی اعصاب منتقل شود اما متأسفانه او هنوز این آمادگی را ندارد و نه ما و نه دکتر پدرم نمی‌توانیم پیش بینی کنیم که چه پیش خواهد آمد".

خانم پورزند که خواستار صدور اجازه خروج از کشور برای پدرش است، می‌گوید: "با اوضاعی که پدرم دارد بعید به نظر می‌آید که بتوانیم اجازه پرواز برای او بگیریم اما ممکن است اگر به او اجازه خروج بدهند و پاسپورتش را بدهند از نظر روحی خیلی بهتر شود و خواست ما این است که بگذارند از کشور خارج شود و مدتی با بچه‌ها و خانواده اش باشد".

وی با بیان اینکه آقای پورزند، دست رد به همه چیز می‌زند، می‌افزاید: "تنها امیدی که ممکن است پدرم را برای چند صباحی به زندگی امیدوار کند اجازه خروج از کشور و دیدار با خانواده اش است؛ پدر من با این وضعیت هیچ خطری برای جمهوری اسلامی ندارد که اجازه خروج به او نمی‌دهند".

به گفته لیلی پورزند، پزشکان معالج آقای پورزند توصیه



راههای سبز

بنیادی‌ترین حق انسانی را نقض نموده و بر خشونت جمعی دامن می‌زند. خاصه آن که اعدام بواسطه خشونت ذاتی آن همواره در حاکمیت‌های تمامیت‌خواه و اقتدارگرا به ابزار سرکوب و ارباب اجتماعی بدل گردیده است. بنابر "گزارش اعدام در ایران در سال 1388"، که در 18 مهر 1388 به مناسبت روز جهانی مبارزه برای لغو حکم اعدام از سوی چهار نهاد حقوق بشر ایرانی منتشر شد، از 339 نفر کل اعدام‌شدگان در سال مذکور تعداد 104 نفر، یعنی حدود 31 درصد، در ماه‌های آخر گزارش یعنی تیر و مرداد اعدام گردیده‌اند. همین‌طور از تعداد 32 نفر زندانی سیاسی اعدام شده در این سال 16 نفر آنها در طول دو ماه مذکور به طناب دار سپرده شده‌اند. در سه ماه شهریور، مهر و آبان سال جاری نیز تعداد 21 نفر اعدام و برای حدود 14 نفر زندانی سیاسی حکم اعدام صادر شده که حکم اعدام یکی از آنها به اجرا در آمده است.

حاکمیت ایران با کشتار ده‌ها نفر در تظاهرات مسالمت آمیز مردم، شکنجه، تجاوز و زندانی کردن معترضین به "انتخابات ریاست جمهوری" و با افزایش بی‌رویه شمار اعدام‌ها و بخصوص صدور و اجرای احکام اعدام برای زندانیان سیاسی، در ماه‌های پس از انتخابات، در صدد ایجاد جوی از رعب و وحشت در میان مردم است تا از سویی آنها را از پیگیری خواست‌ها و مطالباتشان باز دارند و از سوی دیگر زمینه اعدام‌های هر چه بیشتر را در صورت گسترش اعتراضات مردمی فراهم سازد.

عملکرد حاکمین در نقض گسترده، مستمر و برنامه ریزی شده حقوق بشر در ایران و با توجه به نشانه‌هایی که در این زمینه در بالا آمد همگی خبر از امکان به وقوع پیوستن یک فاجعه انسانی می‌دهد. بویژه صدور حکم اعدام برای پنج نفر از متهمین سیاسی حوادث اخیر در بعد از انتخابات و اعدام اخیر احسان فتاحیان، زندانی سیاسی، که در دادگاه بدوی به 10 سال زندان محکوم شده بود و نیز احکام دیگری که در شرف انجام است به نگرانی فزاینده نسبت به آغاز سرکوبی گسترده همانند قتل‌عام‌های سالهای 60 و 67 در ایران دامن می‌زند.

ازین رو ما، جمعی از نهادهای حقوق بشر ایرانی، تمامی فعالان و نهادهای حقوق بشری بین‌المللی را در راستای جلوگیری از اعدام و سرکوب گسترده مخالفان در ایران به اقدام فوری و مؤثر و آگاه‌سازی اذهان عمومی جهانیان جهت پیشگیری از فاجعه دیگر فرا می‌خوانیم.

9 آذر 1388 برابر 30 نوامبر 2009



سازمان حقوق بشر ایران - انجمن ایرانی برای حقوق بشر - انجمن ایرانی برای حقوق بشر - انجمن ایرانی برای حقوق بشر

درخواست :

حامیان مادران عزادار ایران در لوس

آنجلس

دادخواست حامیان مادران عزادار ایران تا اواخر ژانویه به آقای بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

حامیان مادران عزادار ایران در لوس آنجلس ضمن اعلام این خیر اعلام کردند:

نسخه ای از این دادخواست به سازمان عفو بین‌الملل نیز فرستاده می‌شود تا در "کمپین بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران" که توسط سازمان ملل در ماه فوریه برگزار می‌شود مورد استفاده قرار گیرد.

لازم است از فرصت کوتاهی که باقی مانده حد اکثر استفاده بشود تا تعداد امضاها به رقم بسیار بالاتری رسد. از همگان در خواست می‌شود با پرکردن فرمهای کتبی یا استفاده از ای میل به این حرکت یاری برسانند.

<http://www.petitiononline.com/Iran2009/petition.html>

مهدیه گلرو فعال دانشجویی: یک سال حبس

تعلیقی

به گزارش واحد دانشجویی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مهدیه گلرو فعال دانشجویی و از همکاران مجموعه به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق مقالات که باعث سیاه‌نمایی می‌شود و مصاحبه با رسانه‌های بی‌گانه و و نشر اکاذیب به به یک سال حبس تعلیقی محکوم شده است.

این در حال است که قاضی پرونده گفته است «امیدوارم در جریان روزهای آینده و خیلی سریع حکمات اجرا نشود». مهدیه گلرو، دانشجوی محروم از تحصیل دانشگاه علامه و عضو شورای دفاع از حق تحصیل، در سال گذشته پس از تحصن 4 روزه در اعتراض به محرومیت از تحصیل، به دانشگاه علامه بازداشت شد و به زندان اوین منتقل شد. همچنین این فعال دانشجویی در اردیبهشت‌ماه سال جاری به اتهام تشویش اذهان عمومی از طریق نشر مقالات در رسانه‌ها بازداشت و با قرار کفالت آزاد شد.

برنامه های اکبر گنجی در استکلهم

حامیان جنبش سبز در باره برنامه های اکبر گنجی در استکلهم بیانیه ای باین شرح منتشر کرد:

اکبر گنجی نویسنده، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر برای سخنرانی و دیدار با ایرانیان و انجمن‌ها و سازمان‌های سوئدی وارد استکلهم می‌شود

برنامه های آقای گنجی که به ابتکار حامیان جنبش سبز سازمان داده شده بترتیب زیر می‌باشد

۱. روز چهارشنبه ساعت ۱۰:۴۵ دقیقه آقای گنجی در پارلمان سوئد سخنرانی خواهند داشت. موضوع سخنرانی در پارلمان سوئد جلب حمایت جهانی برای به محاکمه کشیدن سران جمهوری اسلامی و همه عامران و عاملان جنایت بر علیه مردم ایران می‌باشد.

۲. روز جمعه ۴ دسامبر ساعت ۶ بعد از ظهر آقای گنجی در ABF مرکز سخنرانی خواهند داشت.

این برنامه با همکاری حامیان جنبش سبز و ABF بر گزار می‌شود.

موضوع سخنرانی موج سبز دموکراسی خواهی و آینده جنبش مدنی در ایران است.

۳. آقای گنجی در دیداری با کارکنان سازمان عفو بین‌الملل برای آن‌ها سخنرانی خواهد کرد.

۴. آقای گنجی همچنین با پن سوئد، تعدادی از شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌های سوئدی دیدار خواهند داشت.

برای تماس با حامیان جنبش سبز مردم ایران شماره تلفن‌های زیر را در اختیار شما هم وطنان قرار می‌دهیم

۰۷۶۲۵۱۱۸۱۵

۰۷۰۶۱۷۸۲۸۰

۰۷۰۴۳۳۶۴۳۲

۰۷۳۰۳۵۴۵۱۷

اطلاعیه جمعی از گروه‌های فعال حقوق بشر ایرانی

زمینه چینی برای اعدام و سرکوب گسترده

مخالفان در ایران

خواهان لغو حکم اعدام هسینم



اعدام، قتل عمد دولتی و نقض حقوق بشر رسمیت یافته در دامان قانون است. این مجازات غیر انسانی حق حیات،

رسمی به ویژه روسای سه قوه، مستوجب پیگیری قانونی است.

وی با تاکید بر این‌که باید فضای مطبوعات تلطیف شود، خاطر نشان کرد: این به معنای عدم انتقاد نیست. انتقاد سازنده، آگاهی رسانی و افزایش اطلاعات عمومی از وظایف و رسالت مطبوعات است اما انتقام‌گری و تخریب اشکال دارد و اکنون بهترین فرصت است که مطبوعات خود را با توجه به خواسته‌ی مقام معظم رهبری تلطیف کنند.

وی بار دیگر از رسانه‌ها خواست از انتشار اخبار دروغ و خلاف واقع و انتشار اخبار بدون منبع خودداری کنند و گفت: دادسرا و دادستانی دوست خوبی برای مطبوعات است در صورتی که در چارچوب قانون عمل کنند. دادستان تهران در پاسخ به سوال خبرنگار ایرنا، مبنی بر این‌که برخی از طرفداران احمدی نژاد می‌گویند در سال‌های اخیر توسط برخی از رسانه‌ها به رئیس جمهور تهمت زده شده آیا پرونده‌ای در این زمینه تشکیل شده یا با رسانه‌ها در این خصوص برخورد شده است؟ افزود: در مورد بخشی از این تخلفات برخی مسئولان مربوطه شکایت کردند که طبعاً در دادسرای کارکنان دولت و رسانه این شکایت مطرح است.

دادستان تهران در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر این‌که با توجه به صحبت‌های برخی از نمایندگان آیا پرونده‌ای علیه دادستان سابق تهران تشکیل شده است؟ افزود: پرونده‌ای تشکیل نشده است.

غیبت هاشمی و احمدی نژاد در شکرانه

اتحاد

عدم حضور محمود احمدی نژاد و اکبر هاشمی رفسنجانی در مراسم "شکرانه اتحاد" موجب شد تا علی لاریجانی به انتقاد تلویحی از این دو بپردازد.

به گزارش جرس، دومین مراسم شکرانه اتحاد که از ساعتی پیش در مجلس آغاز به کار کرد دو غایب مهم داشت رئیس دولت و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام. در این مراسم که به طور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شد لاریجانی با اشاره به عدم حضور این دو گفت: خداوند انشاء الله همه امور را اصلاح کند.

این مراسم قرار بود ساعت ۹ صبح آغاز به کار کند اما به دلیل غیبت رئیس دولت، برگزارکنندگان ۴۰ دقیقه منتظر حضور او ماندند ولی با استمرار غیبت وی و حضور رحیمی مراسم نیز آغاز به کار کرد.

سال گذشته که این مراسم برای نخستین بار برگزار شد، روسای مجالس قبلی از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حجت الاسلام ناطق نوری و حجت الاسلام مهدی کروبی نیز به این مراسم دعوت شدند اما امسال با حضور ناطق نوری و کروبی مخالفت‌های جدی صورت گرفت و حتی صحبت از عدم دعوت از هاشمی رفسنجانی نیز شد که با جمع‌بندی‌های صورت گرفته، در نهایت هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به این مراسم دعوت شد و وقت ۲۰ دقیقه‌ای نیز برای سخنرانی او در نظر گرفته شد که با توجه به سفر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به مشهد حضور او نیز در این مراسم منتفی شده است.

پارلمان نیز در خبری نوشت: از لیست ۱۹۹ نفره میهمانان این مراسم تنها حدود ۳۰ نفر در این مراسم حاضر شده‌اند و علاوه بر عدم حضور مراجع تقلید در این مراسم فرمانده سپاه، نیروی انتظامی، رئیس صدا و سیما و بسیاری از وزرا غائب هستند.

در ۱۶ آذر چگونه حضور می یابیم؟ مرتضی سیمیری

دانشگاه ایرانی محل رشد ارمان گرایانی بوده است که معمولاً صادقانه و شجاعانه در صحنه ها حاضر شده اند و از دل همین دانشگاه ها نظریه پردازانی ظهور کرده اند که در پارادایم ذهنی خود گاه غوطه ور بوده و گاهی نیز هنر نمایی کرده اند و در نهایت دانشگاه محل عرضه دستاورد های بوده که از مبارزان چریکی تا آکادمیسین های تجدید نظر طلب را در خود جای می دهد.

تمامی این ها نشان می دهد که دانشگاه زمینی دارد فراگیر که با وجود تمام نقد های وارد بر آن، منطقه مشترکی می سازد تا هر فردی یا هر گروهی بتواند خود را در آن عرضه کند.

شانزدهم آذر سال 1332 دانشگاه یک صدا فریادی بود بر سر معامله نفت و اسلحه که طناب دموکراسی را نیز در ایران پاره کرده بود، اعتراض دانشجویان در دانشگاه در مخالفت عنصر خارجی و کودتا علیه یک دولت قانونی (با تمام انتقادات وارد بر آن دولت) و تحمیل یک دولت رانتی - نظامی با گلوله پاسخ داده شد که این روش از پاسخگویی، ایران را در مسیر یک مبارزه فرسایشی منتهی به یک انقلاب رهایی بخش و توده ای و در پس آن سیزدهم آبان و اشغال سفارت امریکا قرار داد.

از 16 آذر سال 1332 تا پیش از انقلاب دانشگاه در پارادایم های ارمانی زیست می کرد و مدینه فاضله ای از برابری، سوسیالیسم و عدالت رامی خواست؛ این ارمان خواهی در دوران بعد از انقلاب با تضاد بین خواسته ها و دستاورد های یک انقلاب در اواخر دهه شصت دانشگاهیان را به متفکرانی انتزاعی تبدیل کرد. آنها بیشتر رویکرد آکادمیک داشتند و جامعه را در ورای واقعیت ها تقسیم بندی می کردند؛ بدون توجه به این موضوع که از ابتدای نهضت مشروطه تا به حال خواسته های عمومی در جهت عدالت خانه، پارلمان و عاید نفت برای ملت و برگزاری انتخابات آزاد بوده است.

روشنفکران بر آمده از دانشگاه در ایران در دو سوی انقلاب حزب تشکیل داده اند و دانشگاه از آنها تاثیر گرفته اما همین تاثیر گیری باعث شده تادانشگاه نتواند مطالبات خود را تحقق ببرد؛ به عنوان مثال فریاد های کلی دانشگاه با وجود بر حق بودن کلی و پر ابهام بوده است و لذا به صورت دائم در دور اعتراض و سرکوب گرفتار شده است؛ یعنی اعتراضات بر حق دانشجویان به علت مشخص نبودن خواسته ها با سرعت سرکوب شده و تمام دستاورد ها در میانه راه رها شده است. دانشجویان در 1332 خواسته های مشخصی داشتند؛ آنها به براندازی یک دولت قانونی اعتراض کردند، دولتی که معتقد به گفتن آزادی و استقلال بود و در خود گفتن معامله برای حفظ ایران را نداشت و برای اولین بار رانت و دولت امنیتی کنار رفته بود.

بعد از آذر 1332 چه آرمان گرایان پیش و چه آکادمیسین های پس از انقلاب برای اهداف ره آورد عینی نداشته و تنها شعار اسلام در مسیر جامعه بدون طیفه توحیدی را به اسلام عقلی و نقلی تبدیل کرده اند. هر دو گروه ناب خواه بوده اند بدون آنکه تحقق بیابند. علت نیز آن است که بعد از آذر 32 تمایل دانشجویان و روشنفکران از "چگونه حکومت کردن به سمت چه کسی حکومت کند" تغییر فاز پیدا کرد در حالی که محتوای اعتراض آذر ماه 1332 بر نوع تغییر حکومت کردن از یک حکومت میانه دموکراتیک به راست نظامی بود. این نوع از نگاه نشان می دهد که بعد از سرکوب 32 معایب میدان مبارزه جدی تر از حد معمولی است که تا به حال به آن پرداخته اند. به نظر می رسد که ایراد اصلی در بعد از آذر 32 آن است که ظرف آرمان و عقاید در ایران نا مشخص شد؛ به عنوان مثال اگر ما امروز دموکراسی می خواهیم مشخص

نمی کنیم که چگونه باید به این دموکراسی مطلوب (سوسیالیستی، لیبرالیستی، مذهبی و غیر آن) رسید. در واقع ایراد اول عدم تفکیک خواسته ها و عقیده ها می باشد زیرا با قبول هر ارمانی روشن فکران باید بپذیرند که دموکراسی در سایه یک دولت قانون مند به دست می آید، دولتی که انتخابات را حق مردم بداند و راه تحقق دولت قانون مند هم طبقه متوسط مولد میباشد. و طبقه متوسط نیز جامعه مدنی قوی می خواهد.

در حالی که عدم تفکیک عقیده - آرمان با راه تحقق باعث گردیده است که بعد از یک قرن همچنان دولت حاکم در ایران نفتی، بوروکراتیک و نظامی باشد. برای روشن شدن این بحث شاید مثال واضح تری بتواند کمک کننده باشد. چند روز از قبل شانزدهم آذر امسال بیانیه های صادر شده از سوی گروه های مختلف سیاسی (دریک مطالعه تطبیقی) نشان می دهد تفسیر ارائه شده از شانزدهم آذر تنها یک قرانت نوستالوژیک از یک گذشته آرمانی با ترفیق خواسته های ایدئولوژیک است که در بر دارنده تلفیق آرمان و عقیده است، در حالیکه در هیچ کدام از آنها استخراجی از دستاورد های مورد نیاز برای زمان حال صورت نگرفته است. در برخی تنها شعار قابل برداشت، درخواست براندازی نظام حاکم است و برخی حامل مطالباتی کلی می باشند و گفتن ساز نیستند. در حالی که جنبش سبز به عنوان یک جنبش مدنی و ملی در هر لحظه نیازمند مشخص شدن چهار چوب مبارزات است؛ بایستی نوع مطالبات را برای عموم تشریح کرد و مطالبات حاشیه ای را به صورت اقتضای برای دیگران توضیح داد و همه را قانع کرد. هر چند در اینجا نقش رهبری منسجم در جنبش عیان تر می شود.

با تمامی نقد ها و موارد ذکر شده موجود باید پاسخ در خوری برای سوال طرح شده در ابتدای نوشتار نیز پیدا کرد.

چگونه در شانزدهم آذر حاضر شویم؟
دانشگاه محل تبادل گفتن های مختلف است که در صورت بر داشته شدن تیغ سانسور از روی آن می تواند از چپ کارگری تا راست حزب الله را در خود نمایندگی کند، لذا نمی توان محیط دانشگاه را گلخانه ای و آن را مجبور کرد که تنها یک شعار و مطالبه مشخص را بخواهد. تجربه نگه داری مصنوعی سازمان های دانشجویی مثل انجمن های اسلامی نشان داد که در صورت برداشته شدن فضای حداقلی، پتانسیل بزرگی آزاد می شود؛ این پیش بینی دور از دسترس نیست که اگر سازمانی مثل بسیج را هم در محیط آزاد و غیر گلخانه ای رها کنند نحوه رفتار آن با شرایط اسف بار فعلی تفاوت بسیار کند.

با وجود چنین استعدادی در دانشگاه احتمال اینکه در شانزدهم آذر منطقه ای خاکستری ایجاد شود که در آن هر نوع شعاری (حتی شعار های خشونت زا و مرگ طلب) داده شود محتمل است. هر چند شعار های دانشگاه در سیزدهم آبان بسیار نزدیک تر به محتوای اصلی جنبش سبز بوده است، ولی از سوی دیگری ما دانیم رادیکالیسم متصاعد از سوی حاکمیت و برخورد های بدون توجه، زمینه رادیکالیسم را، چه در دانشگاه و چه خارج آن بالا خواهد برد و کار را به مرحله ای می رساند که جنبش سبز وارد یک بازی باخت - باخت با حاکمیت شود.

حاکمیت می خواهد اشتباهات خود را تکرار کند. یکی از این موارد سرکوبی حضور میلیونی جنبش سبز بود زیرا هر چه حضور پر شور تر باشد، احتمال انحراف از اصول یک مبارزه مدنی کمتر می شود لذا پیشنهاد به جریان حاکم آن است که حق قانونی دانشجویان را که برگزاری مراسم شانزدهم آذر می باشد و نیز تجمعات مردم را به رسمیت بشناسد؛ این نحوه برخورد باعث خواهد شد که موج تحقیر شدن افراد به سمت پر خاش حرکت نکند. موثر ترین عرصه برای حضور در شانزدهم آذری که با یک جنبش مدنی پیوند خورده آن است که بین نیروهای موجود با مطالبات رنگارنگ فاصله ایجاد نشود؛ هر چه شعار ها مدنی تر باشد همه حاضران را بهتر می توان جذب کرد. به عنوان مثال تا هر جا شعار ها بروی فصل سوم قانون اساسی تمرکز داشته باشد میزان منطقه مشاع آن برای همه بیشتر می شود اما هر جا شعار ها جنبه رهایی

بخش بگیرد و یا اینکه به گسترش خشونت طلبی دامن بزند، نمی تواند فرا گیر شود و باعث می شود جناح حاکم نیز برای اعمال ناروای خود متحد تر شود و توجه پیدا کند.

جلوگیری از اوانتاریسم و رد رادیکالیسم

ریشه اوانتاریسم در آماور بودن نیروها نهفته است؛ غالب هواداران جنبش سبز از حداقل آموزش های لازم برای یک مبارزه مدنی بی اطلاع هستند، تمامی آنها تنها دور نمایی از مبارزات هند و افریقای جنوبی را دارند که آن هم به صورت اجمالی به دست آنها رسیده است. این آماوریتس می تواند اوانتاریسمی را رشد دهد که در دل آن رادیکال بودن رشد می کند، لذا بالاترین مسئولیت در این بخش بر عهده رهبران این جنبش است؛ رهبران اخلاقی و قرار دادی این جنبش مدنی باید توجه داشته باشند که به هر ترتیب تمام کسانی که در این تجمعات حاضر می شوند دوباره می خواهند به زندگی عادی خود باز گردند؛ آنها گاهی با خانواده های خود در میدان حاضر می باشند لذا رهبری باید به صورت مشخص و دائمی به هواداران این جنبش ابعاد مبارزه را تذکر بدهد و خود نیز مطالبات و شعار ها را فراتر از ظرفیت جنبش سبز نبرند زیرا این جنبش با امید به پیروزی در میدان حاضر است و هر استراتژی نا صحیح ممکن است کل دستاورد های آن را به انحراف بکشاند.

در نهایت باید گفت تنها تفسیر مطابق با ابعاد جنبش سبز، رد گفتن اعتراض به پر خاش و جایگزینی گفتن اعتراض و مدارا مداری است؛ مدارا مداری که در دل آن صبوری و مقاومت نهان است زیرا دور اعتراض، پر خاش و سرکوب به دموکراسی منتهی نمی شود، فریاد اعتراض منتهی به پر خاش با وجود برحق بودن به دموکراسی نمی رسد. ضمن آنکه هدف این جنبش آن نیست که پر خاش کند، هدف این جنبش مواردی است که به ایران الزام دموکراسی خواهی را می دهد، زیرا تجربه نشان می دهد اعتراض به تحقیر های مکرر و سرکوب های مداوم رژیم پهلوی دموکراسی آور نبوده است، از این منظر می توان به تمام دستاورد های 56 ساله جنبش دانشجویی بعد از 1332 و نیز روشن فکران به سود مبارزات مدنی جنبش سبز نقد منصفانه وارد کرد. توسعه گفتن اعتراض و پر خاش حتی می تواند به جایی برسد که راست، چپ را حذف کند و چپ، ملی ها را و در نهایت حکومتی نظامی وارد شود و همه را حذف کند



راههای سبز



است، و بی‌شک چنین غفلتی نه تنها از سوی شهروندان پیگیر تغییر، مورد تأیید قرار نخواهد گرفت که با انتقاد جدی همراه خواهد شد. حتی در یک وضع ویژه (وجود موانع مزاحم جدی بر سر راه دیدار و تعامل سه‌جانبه‌ی موسوی، کروبی و خاتمی) که غیرمحمول به نظر نمی‌رسد، آقایان به‌سہولت، و با بهره‌جستن از فنآوری ارتباطات، امکان همفکری و اتخاذ مواضع مشترک دارند. چند سطر موضع مشترک راهبران نمادین، تأثیراتی بیش از چند صفحه موضع شخصی هر یک از آقایان یا چند ده دقیقه اظهار نظر ایشان خواهد داشت. اثر و خروجی حاصل از جمع انرژی و اثر موسوی، کروبی و خاتمی، مطابق آنچه در «سینرژی» (هم‌افزایی) مطرح است، به شکلی قابل پیش‌بینی بیشتر از اقدام و کنش جداگانه و مستقل هر یک است. اگر برای تحقق سینرژیسیم و هم‌افزایی، داشتن هدف مشترک و هویت ارزشی و فرهنگی مشترک و تعامل مهم است، موسوی و کروبی و خاتمی تنها باید این آخری (تعامل هرچه بیشتر با هم) را مورد توجه هر چه بیشتر قرار دهند.

۸. هفته‌ای بیش به شانزدهم آذر، روز دانشجو نامیده است. صدها دانشجو در هفته‌های اخیر بازداشت، یا به کمیته‌های انضباطی فراخوانده شده و مورد تهدید قرار گرفته‌اند. به‌عنوان عضوی کوچک از جنبش سبز مردم ایران، از آقایان موسوی، کروبی و خاتمی تقاضا می‌کنم به احترام هزینه‌ای که دانشجویان اصلاح‌طلب و پیگیر تغییر و خانواده‌هایشان تاکنون پرداخته‌اند، در موضعی مشترک و با انتشار بیانیه‌ی سه‌امضایی، خونی تازه به پیکر همچنان ایستاده‌ی جنبش سبز مردم ایران تزریق کنند؛ و این بیانیه را به‌مثابه‌ی گام نخست برای انتشار دیگر مواضع مشترک و اقدامات هماهنگ، مورد توجه قرار دهند. تردید ندارم که بخش اعظم شهروندان معترض، چشم‌انتظار این اقدام آقایان است و چنین عملی را «وظیفه‌ی ایشان ارزیابی می‌کند. «تعهد» یکایک راهبران نمادین جنبش سبز به شهروندان معترض و خواست‌های قانونی و انسانی ایشان، هر چند تاکنون و به‌قدر لازم به اثبات رسیده و متبلور شده است، اما تحقق تام و تمام این «میثاق نانوشته»، پایان نیاخته و همفکری و مشورت و هماهنگی و همکاری و وحدت عمل آقایان، تنها یکی از اقدامات بر زمین مانده محسوب می‌شود. نزدیکان این سه بزرگوار، مکلف‌اند که بدون فوت وقت، پیگیر تحقق خواستی باشند که شهروندان پرشماری، آن را مطالبه می‌کنند.

(بع‌التحریر:

الف. اگر این تعامل و کنش مشترک در 16 آذر به‌بار نشست، چه بهتر؛ و گر نه مهم تحقق این مطلب ضروری و اقدام مهم و موثر در اولین امکان است. ب. نگارنده از تمامی کنشگران مدنی سبز که با مضمون این درخواست موافق و همدل‌اند، درخواست می‌کند به سهم خویش و به قدر امکانات و توان خود، در پیگیری این تقاضا و انعکاس آن، تا تحقق مطلوب، بکوشند. کوششی که پیامدهای غیرقابل انکاری بر تثبیت، تعمیق و توفیق جنبش سبز مردم ایران به‌همراه خواهد داشت.)



او را «محبوب‌ترین» شخصیت ایران امروز توصیف کرد؛ محبوبیت و پایگاه مردمی و «کاریز‌ما»ی خاتمی، قابل انکار نیست. او با همراهی احترام‌برانگیزش با جنبش سبز، خود را در کنار موسوی و کروبی، در مقام یکی از راهبران نمادین جنبش اعتراضی مردم ایران، مستقر ساخته است.

۴. در چند ماه اخیر، دیدارهای متعدد و پراکنده‌ای به‌صورت «دو به دو» میان موسوی، کروبی و خاتمی انجام شده است. انتشار خبر این دیدارها، هر بار برای بدنه‌ی جنبش اعتراضی، شوق‌آفرین و انرژی‌زا بوده است. ضمن این‌که بر برخی شایعات و «سمپاشی»های تمامیت‌خواهان را در مورد «شکاف» و اختلاف میان راهبران نمادین جنبش سبز، منتفی و نقش بر آب ساخته است. اقبال محسوس افکار عمومی به اخبار این دیدارها و خوشوقتی مشهود شهروندان معترض از انجام این جلسات گاه و بیگاه، آشکارا نشان از یک «ضرورت» دارد: ضرورت تعامل و هماهنگی و همراهی هر چه بیشتر موسوی، کروبی و خاتمی. افزون بر این، هراس و واکنش‌های خصمانه و خشم‌آلود بازوهای رسانه‌ای و تبلیغاتی تمامیت‌خواهان از این دیدارها و همفکری‌ها نیز به‌قدر لازم، اهمیت تکرار و بسط این گپ و گفت‌ها و هماهنگی‌ها را باز می‌تاباند.

۵. گلابه‌های آقای کروبی از برخی اصلاح‌طلبان، امری پوشیده محسوب نمی‌شود. ایشان، در مقاطع گوناگون و به مناسبت‌هایی، این گلابه‌ها و انتقادها را مورد اشاره قرار داده است. اما آیا در شرایط کنونی، و با توجه به «اصل بودن» پیگیری خواست «تغییر» و «اعتراض مدنی» مردم ایران، باز خوانی این گلابه‌ها یا تکیه بر آنها ضرورت دارد؟ آیا در شرایط کنونی تکیه بر «اختلاف‌نظرها» و تفاوت روحیات، موجب تشتت و چندپارگی معترضان نمی‌شود؟ آیا تمامیت‌خواهان، منتفعان درجه اول این «دوری و کنورت» نیستند؟ تردید ندارم که بخش اعظم شهروندان همراه جنبش سبز، از بزرگان و شیوخ خود، بزرگواری و تحمل و سعه‌ی صدری بیش از دیگران، انتظار دارد و چشم‌انتظار همدلی‌ها و هماهنگی‌های روزافزون است. اصرار بر کنش فردی و تصمیم‌های شخصی، و پرهیز از اقدام جمعی و تعامل و هماهنگی و همکاری، در این روزهای سخت و خاص ایران، پیام‌های خوش‌عطری را به‌همراه ندارد.

۶. تردیدی نیست که شیوه و مشی و منش موسوی، کروبی و خاتمی، واجد تفاوت‌هایی محسوس با یکدیگر است. اما آیا تکیه و اصرار بر لزوم اتخاذ یک مشی و در پیش گرفتن یک روش، ضروری است؟ شاید آقای کروبی خود را با آقای موسوی، همگام‌تر بداند، و بخشی از محدودیت‌ها و منش و مشی آقای خاتمی را چندان نیپسندد (و بالعکس). اما به‌عظر می‌رسد که آنچه برای بدنه‌ی اجتماعی حامی «تغییر» اصل و مهم است، توافق راهبران نمادین بر کلیات است. هر یک از آقایان محق است که با روش و شیوه‌ی خویش، و متکی بر منش و خصوصیات رفتاری و شخصیت خود، پیگیر مطالبات شود؛ چنان‌که رویکردها و اقدامات هر یک از اعضای این جنبش اجتماعی (از خرد و کلان) ویژگی‌های خود را داراست و بر بضاعت‌ها و امکانات و محدودیت‌ها و فرصت‌های خویش مبتنی است. آن‌گونه‌که دیدگاه‌ها و مواضع این‌الله منتظری به‌عنوان یکی از ارکان و منابع انرژی‌زای این جنبش، اختصاص به شخص ایشان دارد و واجد تمایزها و ویژگی‌های منحصر به‌فردی است.

۷. تا هنگامی که موانع و محدودیت‌های جدی بر سر راه دیدار حضوری و سه‌جوبی آقایان موسوی، کروبی و خاتمی وجود ندارد و شکل نگرفته، هرگونه اجتناب از تحقق جلسات هماهنگی و گفت‌وگو، پرهیز از تزریق انرژی مثبت به جان جنبش اعتراضی امروز مردم ایران

خواهشی از

موسوی، کروبی و خاتمی

مرتضی کاظمیان

در آمد: دلپستگی‌های نویسنده‌ی این مطلب به «اصلاحات» (در معنای خاص این چند سال آن، و به‌ویژه از منظر دموکراتیزاسیون)، «جنبش سبز» و «راهبران نمادین» آن، برای مخاطبان عام و نیز مطالعه‌کنندگان خاص این یادداشت (یعنی آقایان میرحسین موسوی، مهدی کروبی و سیدمحمد خاتمی) به‌احتمال زیاد، امری پوشیده و پنهان نیست. آنچه نگارنده را به نگاشتن این یادداشت و طرح «یک تقاضا» از این سه چهره‌ی ویژه و محبوب این روزهای ایران وامی‌دارد، از یک‌سو متکی است به مفروض ابتدای نوشتار، و از سوی دیگر دلگرم است به خوانندگان بزرگواری که حامی و همراه «جنبش سبز» هستند و به‌عظر می‌رسد در این سخن و تقاضا، همدل و همفکر با نویسنده‌اند.

مستقل از این مقدمه، تقاضایی که نویسنده می‌کوشد در این مجال، آن را تبیین کند و اهمیت تحقق آن را مستدل سازد، یک ضرورت مبنی در جنبش اعتراضی مردم ایران است: «لزوم تعامل و هماهنگی و همراهی و مشورت و وحدت عمل هر چه بیشتر راهبران نمادین جنبش سبز، آقایان موسوی، کروبی و خاتمی».

۱. نگارنده از جمله افرادی است که جنبش اعتراضی مردم ایران را از منظر «جنبش‌های اجتماعی مدرن» مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. یکی از ویژگی‌های این جنبش‌ها (و نقاط تمیز و تفاوت جنبش‌های اجتماعی مدرن با جنبش‌های اجتماعی قدیم و کلاسیک) ساخت سازمانی آن است. در جنبش‌های اجتماعی جدید، دیگر شاهد ساخت سازمانی هرمی و سلسله‌مراتبی میان رهبر و رهروان، و رابطه‌ی مرید-مرادی نیستیم. در اینجا، یک رهبر (و گروه) مشخص و واحد و معین و کاریز‌ما وجود ندارد که جنبش را بی‌آغازد؛ بلکه همه‌چیز از سازمانی شبکه‌ای و ساختی متکثر و متنوع (و البته با هویت و اهداف و چشم‌انداز مشترک) نشأت می‌گیرد. این ویژگی‌ها اما به‌معنای بی‌نیازی به راهبران نمادین نیست؛ رهبران نمادین در رابطه‌ی تعاملی با بدنه‌ی جنبش بر جسته می‌گردند و از سوی خرد جنبش، برگزیده می‌شوند و مورد اعتماد و حمایت متقابل قرار می‌گیرند. این رهبران بیشتر «سیاست‌گذار»‌اند و تا هنگامی که مورد اعتماد و پذیرش خرد جمعی جنبش باشند، به تعامل از آن‌جا جابجاء، مشغول خواهند بود.

۲. جایگاه ویژه‌ی آقایان موسوی و کروبی در اعتراض‌های مدنی پس از 22 خرداد، غیرقابل انکار است. دو نامزد معترض، با به نمایش گذاشتن جلوه‌های تامل‌برانگیزی از صداقت، شجاعت، اصول‌گرایی، و تعهد و پایبندی به وعده‌ها و شعارها و نیز عهده‌ی که با حامیان انتخاباتی خویش بسته بودند، همراه و همگام مردم معترض، پیگیر «تغییر» شده‌اند. حضور پیوسته‌ی موسوی و کروبی در اعتراض‌های مردمی چند ماه اخیر (در قالب حضور در راهپیمایی‌ها، انتشار بیانیه، مصاحبه، دیدار با خانواده‌ی آسیب‌دیدگان و جان‌باختگان پس از انتخابات و...)، بیش از پیش جایگاه ایشان را به‌مثابه‌ی راهبران نمادین این جنبش اعتراضی تعریف و تثبیت کرده است.

۳. در کنار موسوی و کروبی، سیدمحمد خاتمی به‌عنوان مهم‌ترین و اولین حامی نامزدی موسوی در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، به‌شکلی قابل توجه و حتی دور از شخصیت پیشین وی در دوران هشت سال رئیس‌جمهوری، «تعارف و رودروایی» با تمامیت‌خواهان را کنار نهاده و همراه مطالبات جامعه مدنی شده است. خاتمی بی‌شک _ همچنان _ یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های سیاسی ایران محسوب می‌شود (اگر رویدادهای اخیر و مقاومت و پابردی موسوی و کروبی نبود، چه‌بسا به سهولت می‌شد



<http://unblockedbebo.info/>
<http://x105f.info/>
<http://eproxy.site/info/>
<http://85unblocknow.info/>
<http://ipmagick.info/>
<http://schoolproxywebsites.cn/>
<http://eproxy.site/info/>
<http://admitfirst.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://www.beginquick.info/>
<http://unblockedbebo.info/>
<http://02012.info/>
<http://02013.info/>
<http://02014.info/>
<http://bestschoolproxy.cn/>
<http://enewproxy.info/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://google12.net/>
<http://www.dartall.info/>
<http://vistaproxy.uni.cc/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://ta1055.info/>
<http://pinkdot.info/>
<http://lemonbox.info/>
<http://proxify.tv/>
<http://proxycros.co.cc/>
<http://newfacebookproxy.cn/>
<https://fl.mikatammi.com/pn/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://bypassbluecoat.info/>
<http://bypasscheat.info/>
<http://bypassfool.info/>
<http://bluecoatproxy.info/>
<http://www.dailyfind.info/>
<http://proxyanonym.com/>
<http://www.guessed.info/>
<http://cashcontest.info/>
<http://bypassinternet.info/>
<http://anonymousinternetsurfing.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://freepublic.info/proxy/>
<http://blogfaprox.co.cc/>
<http://twitterprox.co.cc/>
<http://pointblock.info/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://eproxy.s.info/>
<http://yourp.totalh.com/pro/>
<https://fl.mikatammi.com/pn/>
<https://sk.leader2006.net/pn/>
<http://02011.info/>
<http://msmarket.info/>
<http://02010.info/>
<http://anonymouswebbrowser.info/>

<http://66.90.77.3/~pro/>
<http://www.mapopen.com/p/>
<http://www.fluxa.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://internetcloak.com/>
<http://www.hashseek.net/>
<http://zankaweb.info/blocked/>
<http://79.170.40.54/t5f.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.34/dymoon.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.230/flummixdemo.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.49/only1internet.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.49/hoollalooops.com/downloads/>
<http://fallcan.info/>
<http://www.xp6.info/>
<http://proxy.diekhoff.eu/>
<http://wap.igma.tv.anonadult.com/cgi-bin/nph-get.cgi>
<http://www.perlproxy.com/>
<http://www.carlomezetic.net/cgi-bin/nph-proxy.pl>
<http://wap.zed.com.ph.gowingo.com/cgi-bin/nph-get.cgi>
<http://www.nivol.net/>
<http://anonymousaccess.info/>
<http://cultlegend.com/>
<http://hidemyself.co.tv/>
<http://www.firstip.info/>
<http://www.please-just-come-here.info/>
<http://secondip.info/>
<http://anonymousschoolproxy.cn/>
<http://unblockeddigg.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://www.resellersvip.com/>
<http://blej.info/>
<http://www.unblock101.info/>
<http://www.cheesecamera.com/>
<http://www.easylinks.info/>
<http://www.resellersbasement.info/>
<http://www.phpnukecenter.com/>
<http://www.directoryeasy.info/>
<http://surf Unblock proxy.cn/>
<http://proxybays.co.cc/>
<http://anonymousproxyservice.info/>
<http://forexpip.info/>
<http://tweetprox.co.cc/>
<http://takeprox.co.cc/>
<http://www.freewebatschool.info/>
<https://gosikhteh.com/fa/>
<https://changeezi.com/fa/>
<http://myspaceprox.co.cc/>
<http://56unblocknow.info/>

فیلتر شکن های جدید

<http://blue.xp6.info/>
<http://www.badkid.info/>
<http://forexmicro.info/>
<http://httpsanonymous.info/>
<http://www.fallnow.info/>
<http://admitsite.info/>
<http://easeforyou.info/>
<http://penguin-proxy.info/>
<http://unblockedtechnorati.info/>
<http://tuxproxy.info/>
<http://newwebproxy.cn/>
<http://www.xp6.info/>
<http://xopen21.info/>
<http://www.xp5.info/>
<http://phproxywebproxy.cn/>
<http://www.firstip.info/>
<http://schoolproxysites.info/>
<http://2009.xp5.info/>
<http://itsmine.co.tv/>
<http://viewschoolproxy.cn/>
<http://www.vistaproxy.uni.cc/>
<http://www.masking.uni.cc/>
<http://www.badidea.info/>
<http://maktoobprox.co.cc/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://webproxyurl.cn/>
<http://gumtreeprox.co.cc/>
<http://pokerprox.co.cc/>
<http://playprox.co.cc/>
<http://beboprox.co.cc/>
<http://unblockproxyweb.cn/>
<http://server4surf.co.cc/>
<http://unblockedflickr.info/>
<http://forexarbitrage.info/>
<http://anonymouslist.info/>
<http://prettyteacher.co.tv/>
<http://www.helloteacher.info/>
<http://www.unblock101.info/>
<https://vz.rio10.com.br/pn/>
<https://vy.bajoonline.com.ar/pn/>
<https://ue.dougandtara.ca/pn/>
<https://mizeabi.com/fa/>
<http://daftaresabz.com/>
<http://ipmirage.info/>
<http://x105s.info/>
<http://egelska.is/proxy3/>